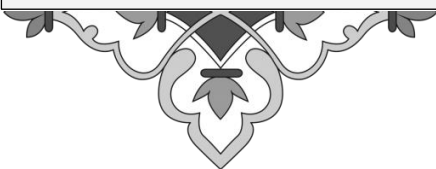




تست نامه ترجمه عربی



مجموعه سؤالات طبقه بندی شده
کنکورهای دولتی و آزاد کارشناسی ارشد و دکتری
ویژه کلیه گرایش های الهیات
چاپ اول؛ سال ۱۴۰۰



بسته‌های آموزشی حافظون
ویژه دروس عمومی کلیه گرایش‌های الهیات

تست‌نامه ترجمه عربی
مجموعه سؤالات طبقه‌بندی شده
کنکورهای دولتی و آزاد کارشناسی ارشد و دکتری
همراه با پاسخ‌های تشریحی
چاپ اول: سال ۱۴۰۰
مؤلف: سمیرا قنبری
ناشر: انتشارات آیات مبینات
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۵۱۵۸-۲-۲
تیراژ: ۵۰۰ جلد

تماس با ما

شماره ثابت : ۰۲۱۳۳۴۴۲۰۰۵
شماره همراه : ۰۹۱۹۸۰۰۰۹۷۰
سایت : www.haafezoon.ir
ایمیل : haafezoon@gmail.com
سامانه دریافت پیامک : ۰۲۱۳۳۴۴۲۰۰۵

در فضای مجازی ما را با شناسه [haafezoon](https://www.haafezoon.ir) جستجو کنید.

جهت دریافت اطلاعات تخصصی رشته خود و دریافت فایل‌های
مکمل، عدد ۱ را به سامانه ۰۲۱۳۳۴۴۲۰۰۵ پیامک کنید.



معرفی مجموعه قرآنی حافظون

حافظون یک مؤسسه علمی قرآنی است که خدمات تخصصی دانشگاهی و دینی ارائه می‌دهد. اهم فعالیت‌های حافظون عبارتند از:

۱- دبستان قرآنی آیات

دبستان قرآنی آیات با رویکرد کلی تربیت قرآنی از سال ۹۵ در منطقه ۱۲ شهر تهران شروع به فعالیت نمود و در همان اولین سال فعالیت با استقبال کم نظیر خانواده‌ها و دانش‌آموزان مقطع ابتدایی مواجه گردید. تولید و اجرای محتوای عمیق دینی، محیط شاد و جذاب، تأکید و توجه به اکثریت ممکن ساحت‌های رشد، آموزش دوزبان انگلیسی (در حد مکالمه) و عربی (در حد فهم متون دینی)، آموزش آکادمیک ورزش‌های مادر (ژیمناستیک و شنا)، بهره‌گیری از شیوه‌های نوین آموزش و دارا بودن محیط کاملاً یک‌دست دینی از ویژگی‌های این دبستان است.

لازم به ذکر است مدل تعلیم و تربیت قرآن محور تولید شده توسط تیم پژوهشی دبستان آیات، توسط معلمان و مدارس زیادی در سطح کشور مورد استقبال و بهره‌برداری قرار گرفته است.

۲- پیش دبستان قرآنی آیات

پیش دبستان آیات (حافظون) نیز با دارا بودن دو شعبه در سطح تهران، رویکردی متفاوت در زمینه‌ی آماده‌سازی نوآموزان برای ورود به دبستان دارد. فعالیت‌های آموزشی پیش‌دبستان آیات، به جای تمرکز بر آموزه‌های اطلاعات محور، بر روی مهارت‌های ماندگار ذهنی متمرکز شده است. بخشی از این مهارت‌ها عبارتند از: دقت و تمرکز، سرعت واکنش، حل مسأله، حافظه کوتاه مدت و دراز مدت، مهارت‌های اجتماعی، آموزش آداب، مهارت شنیدن و فهم کلام مربی، مهارت فهم، حفظ و عمل به آیات موضوعی و....

۳- آموزشگاه کنکور تحصیلات تکمیلی ارشد و دکتری کلیه گرایش‌های الهیات

قدیمی‌ترین فعالیت مجموعه آموزشی حافظون، که موجب گردیده مؤمنین فرهیخته در سرتاسر کشور با حافظون آشنا شوند، خدمات حافظون در زمینه کنکور کارشناسی ارشد و دکتری گرایش‌های الهیات است. اکنون بعد از حدود یک دهه فعالیت می‌توانیم با اطمینان مدعی شویم که حافظون، کاملترین، به روزترین و مفیدترین خدمات در زمینه تحصیلات تکمیلی الهیات در سطح کشور را به علاقه‌مندان این رشته‌ها ارائه می‌دهد. تنوع خدمات، تنوع رشته‌ها، محصولات به روز، آموزش مجازی در منزل و... تنها بخشی از این ویژگی‌هاست.

۱. دوره‌های آمادگی کنکور

کلاس‌های آمادگی کنکور ارشد و دکتری حافظون پر طرفدارترین کلاس‌های کنکور در سطح کشور است. تا کنون بالغ بر ۴۰ دوره‌ی کنکور ارشد و دکتری الهیات توسط حافظون برگزار گردیده است. این کلاسها در سه گرایش قرآن و حدیث، فقه و مبانی حقوق و فلسفه و حکمت اسلامی و در سه مقطع کارشناسی (ویژه حفاظ قرآن)، ارشد و دکتری برگزار می‌گردد. همه ساله بسیاری از رتبه‌های تک رنجه کنکور از خروجی‌های این کلاس‌ها هستند.



۲. بسته‌های آموزشی

درس‌نامه‌ها و تست‌نامه‌های حافظون در سرتاسر کشور و در دانشگاه به دانشگاه کشور بین دانشجویان و داوطلبان دست به دست می‌شود. با اطمینان می‌توان مدعی شد در سه رشته فوق‌الذکر و در دروس عمومی مثل ادبیات عرب و زبان انگلیسی، برای کسب بالاترین رتبه‌ها کاملاً کافی و وافی نیز می‌باشد. به روز رسانی سالانه و انطباق بر کنکور هر سال، اشتغال بر همه سؤالات کنکورها، طبقه‌بندی موضوعی و پاسخنامه کاملاً تشریحی تست‌نامه‌ها، تلخیص‌های حساب‌شده در حدود یک پنجم منابع اصلی، مطالب توضیحی بیشتر جهت تفهیم بهتر، محتوای طبقه‌بندی شده‌ی منسجم، حذف زوائد غیرکاربردی و... تنها بخشی از دلایلی است که موجب گردیده است حافظون تنها گزینه داوطلبان در کنکور باشد.

۳. آموزش مجازی

در طول این سالها که کلاس‌های حافظون دایر بوده است، مطالبه‌ی مکرر داوطلبان شهرستانی موجب می‌شد که از بخشی از کلاسها صوت یا فیلم تهیه شده و برایشان ارسال گردد. این مطالبه به مرور ما را بر آن داشت که به سمت تولید محتوای دیجیتال رفته و نرم افزارهایی بسیار با کیفیت از برجسته‌ترین اساتید رشته الهیات تهیه شده و جهت نشر در سرتاسر کشور آماده ارائه به مشتاقان این رشته‌ها می‌باشد. دو ویژگی مهم نرم افزارهای حافظون عبارت است از: امکان شنیدن و دیدن درس استاد به دفعات مکرر، بهره‌گیری از بهترین اساتید کشور.

۴. آزمون‌های هفتگی، ماهانه و جامع

برای داوطلبی که در حال آماده شدن برای کنکور می‌باشد، برنامه‌ریزی و آزمون‌های دائمی که مدام او را رصد کند، مطالعاتش را جهت دهد، اشکالاتش را به او گوشزد نماید، بسیار ضروری و حیاتی به نظر می‌رسد. آزمون‌های هفتگی و دوره‌ای حافظون، به داوطلبان کمک می‌کند که هم به یک برنامه‌ریزی درست تری دست پیدا کنند و بتوانند به اندازه کافی درس‌ها را مرور نمایند و هم مدام در شرایط آزمون قرار گرفته و با تست‌زنی و تنظیم وقت و دیگر شرایط خو بگیرند.

۵. دوره‌های آزاد

حافظون علاوه بر دوره‌های آمادگی کنکور، کلاس‌های آزاد و کارگاه‌هایی با عناوینی مانند روش تحقیق، مقاله‌نویسی، آمادگی مصاحبه، متن خوانی عربی، تجزیه و ترکیب قرآن، تفسیر و... نیز برگزار می‌نماید.

۶. دوره‌های زبان

○ عربی

کامل‌ترین دوره آموزش زبان عربی از مقدماتی تا آمادگی کنکور دکتری؛ شامل صرف و نحو، مکالمه، بلاغت، لغت، اعراب القرآن و...

○ انگلیسی

دوره‌ها و بسته‌های ویژه کنکور ارشد و دکتری کلیه رشته‌های دانشگاهی، از مقدماتی تا پیشرفته. و همچنین زبان تخصصی الهیات

○ زبان کودک

آموزش نظام‌مند زبان‌های انگلیسی و عربی (زبان قرآن) از مهد تا دوره راهنمایی

۴- پژوهشکده قرآن و حدیث

در این مرکز طرح پژوهشی متنوعی که مستقیماً با امر آموزش و پرورش ارتباط دارد ارائه شده است که برخی از آنها تکمیل شده و به عنوان کتاب یا بسته‌های آموزشی منتشر یافته است (مانند حاشیه قرآن کریم تحت عنوان فرهنگ اهل بیت:) و برخی دیگر در حال انجام است (مانند طرح «صراط مستقیم در فهم قرآن» که رویکردی کاملاً جدید در آموزش قرآن و زبان عربی است. یا «سبک زندگی قرآنی» و دیگر طرح‌های آموزشی)


فهرست مطالب

- نکته فن ترجمه ۱: افعال مقاربه در ترجمه (کاد و اوشک و کرب)..... ۱۰
- نکته فن ترجمه ۲: فعل ماضی و انواع آن ۱۱
- نکته فن ترجمه ۳: اسلوب فعل شرط در ترجمه ۱۲
- نکته فن ترجمه ۴: طالما، قَلْما، کَثْرَما ۱۳
- نکته فن ترجمه ۵: اهمیت مذکر و مؤنث در ترجمه ۱۳
- نکته فن ترجمه ۶: معادل های "اگر" در عربی ۱۴
- نکته فن ترجمه ۷: به محض این که / هنوز نه... که / همین که / همچنان / پیوسته ۱۵
- نکته فن ترجمه ۸: ترکیب وصفی - اضافی ۱۶
- نکته فن ترجمه ۹: توجه به معنا و عملکرد حروف مشبهة بالفعل ۱۶
- نکته فن ترجمه ۱۰: سرعان ما و ترجمه آن ۱۷
- نکته فن ترجمه ۱۱: توجه به معنا و عملکرد افعال شروع ۱۷
- نکته فن ترجمه ۱۲: کنایات عدد (کم، کأین، کذا) ۱۸
- نکته فن ترجمه ۱۳: عمل مصدر در عربی و ترجمه آن ۱۹
- نکته فن ترجمه ۱۴: ادوات عرض و تحضیض ۱۹
- نکته فن ترجمه ۱۵: توجه به اسم تفضیل ۲۱
- نکته فن ترجمه ۱۶: اعجاب (خوش آمدن) ۲۱
- نکته فن ترجمه ۱۷: معانی جعل (وا داشتن، باعث شدن، موجب شدن) ۲۳
- نکته فن ترجمه ۱۸: معانی دون ۲۴
- نکته فن ترجمه ۱۹: تمییز ۲۴
- نکته فن ترجمه ۲۰: وجود داشتن (هناک و ثَمَّ و...) ۲۵
- نکته فن ترجمه ۲۱: انواع لَمَّا ۲۶
- نکته فن ترجمه ۲۲: انواع حتی ۲۸
- نکته فن ترجمه ۲۳: اهمیت معرفه یا نکره بودن اسم ها در ترجمه ۲۹
- نکته فن ترجمه ۲۴: اضافه لفظیه و معنویه ۲۹
- نکته فن ترجمه ۲۵: کِلا و کِلتا ۳۰
- نکته فن ترجمه ۲۶: قیود زمان (أبدا، قَطْ، عَوْض) ۳۱




- نکته فن ترجمه ۲۷: اسم اشاره و صفت اشاره ۳۲
- نکته فن ترجمه ۲۸: ترجمه خیر و شر ۳۴
- نکته فن ترجمه ۲۹: معادل "دیگر" در عربی ۳۵
- نکته فن ترجمه ۳۰: ادوات حصر ۳۷
- نکته فن ترجمه ۳۱: ترکیب وصفی ۳۸
- نکته فن ترجمه ۳۲: مواجهه با جمع مکسر در تعریف ۳۸
- نکته فن ترجمه ۳۳: فعل مجهول ۴۱
- نکته فن ترجمه ۳۴: توجه به مسند و مسند الیه در جمله ۴۱
- نکته فن ترجمه ۳۵: منادی ۴۳
- نکته فن ترجمه ۳۶: استغاثه ۴۳
- نکته فن ترجمه ۳۷: حال ۴۳
- نکته فن ترجمه ۳۸: قد و انواع آن ۴۷
- نکته فن ترجمه ۳۹: جمله وصفیه ۴۸
- نکته فن ترجمه ۴۰: بینما و حینئذ ۴۸
- نکته فن ترجمه ۴۱: ترجمه "داشتن" ۴۹
- نکته فن ترجمه ۴۲: بیان مفهوم "وجوب" در عربی ۵۰
- نکته فن ترجمه ۴۳: مفعول مطلق و ترجمه آن ۵۱
- نکته فن ترجمه ۴۴: اسلوب تعجب و ترجمه آن ۵۲
- نکته فن ترجمه ۴۵: توجه به ضمائر و مرجع آنها ۵۴
- نکته فن ترجمه ۴۶: لای نفی جنس در ترجمه ۵۶
- نکته فن ترجمه ۴۷: لام جحود ۵۷
- نکته فن ترجمه ۴۸: مطابقت فعل با فاعل ۵۷
- نکته فن ترجمه ۴۹: فعل مضارع و انواع آن ۵۸
- نکته فن ترجمه ۵۰: توجه به لازم و متعدی بودن افعال - ترجمه افعال دو مفعولی ۵۸
- نکته فن ترجمه ۵۱: ربّ و ربّما ۶۰
- نکته فن ترجمه ۵۲: توجه به اسم غیر منصرف در تعریف ۶۱
- نکته فن ترجمه ۵۳ (توجه به نوع جمله) ۶۷
- نکته فن ترجمه ۵۴: ترجمه "که" در عربی ۶۸
- نکته فن ترجمه ۵۵: افعال مدح و ذم ۷۱
- نکته فن ترجمه ۵۶: عدد ۷۴
- نکته فن ترجمه ۵۷: انواع واو ۷۵
- نکته فن ترجمه ۵۸: انواع فاء و ترجمه آن ۷۹
- نکته فن ترجمه ۵۹: اسلوب "این کجا و آن کجا" در عربی ۸۶

۸۸	نکته فن ترجمه ۶۰: افعال ناقصه در ترجمه
۸۹	نکته فن ترجمه ۶۱: چه...چه / خواه...خواه
۹۰	نکته فن ترجمه ۶۲: توجه به مفرد و جمع بودن کلمات
۹۴	نکته فن ترجمه ۶۳: اختصاص
۹۸	نکته فن ترجمه ۶۴: توجه به معانی کلمات ربطی در جمله
۱۰۰	نکته فن ترجمه ۶۵: جواب طلب
۱۰۲	نکته فن ترجمه ۶۶: مِن... مَن / مَن... ما / ما... مَن / مَن... مَن
۱۰۶	نکته فن ترجمه ۶۷: اسلوب تحذیر
۱۰۶	نکته فن ترجمه ۶۸: مفعول له و ترجمه آن
۱۱۲	نکته فن ترجمه ۶۹: عطف در جمله منفی (نه... نه)
۱۱۸	نکته فن ترجمه ۷۰: تذکر ویژه درباره مازال (در حالیکه... هنوز)
۱۱۹	نکته فن ترجمه ۷۱: کل ؛ هر - همه
۱۲۰	نکته فن ترجمه ۷۲: ترجمه ظرف یا مفعول فیه
۱۲۲	نکته فن ترجمه ۷۳: جایگاه ضمیر منفصل منصوب در جمله
۱۳۰	نکته فن ترجمه ۷۴: انواع ما و ترجمه آن
۱۴۶	نکته فن ترجمه ۷۵: اذ و اذا فجائیه
۱۵۱	نکته فن ترجمه ۷۶: مصدر نوعی و عددی
۱۵۵	نکته فن ترجمه ۷۷: توجه به معانی ابواب ثلاثی مزید
۱۶۵	نکته فن ترجمه ۷۸: تنازع
۱۸۱	نکته فن ترجمه ۷۹: تأثیر حروف در تغییر معنای برخی افعال
۱۹۹	نکته فن ترجمه ۸۰: تأکید و اهمیت آن در ترجمه



تست نامه
ترجمه عربی





(ارشد ۷۱)

ترجمه از فارسی به عربی؛ بهترین ترجمه کدام است؟

سؤال ۱. نزدیک بود که دشمن، تمدن مسیحی را از میان بردارد.

- (۱) كاد العدو يقضي على الحضارة المسيحية.
 (۲) قرب العدو أن يقضي الحضارة المسيحية.
 (۳) اوشك العدو أن يهدم على الحضارة المسيحية.
 (۴) اقترب العدو أن يحطم الحضارة المسيحية.

گزینه ۱

نکته فن ترجمه ۱: افعال مقاربه در ترجمه (کاد و اوشک و کرب)

- استفاده از افعال مقاربه دلالت بر نزدیکی وقوع فعل دارد. این افعال عبارتند از: کرب، اوشک و کاد.
- افعال مقاربه به اسم و خبر نیاز دارند. اسم شان مرفوع، خبرشان منصوب است.
- خبر افعال مقاربه باید مضارع باشد.
- خبر اوشک غالباً با «أن» می‌آید.
- فعل مضارع بعد از کاد و کرب غالباً بدون آن است. هر چند گاهی با آن هم می‌آید.
- نمونه های قرآنی: تَكَادُ تَمَيُّزٌ مِنَ الْعَظِيمِ (ملک ۸)، يَكَادُ الْبَرْقُ يَحُطِّفُ أَبْصَارَهُمْ (بقره ۲۰)
- افعال مقاربه جامد هستند به جز کاد و اوشک. که مضارع این دو کاربرد دارد.
- مهمترین معادل ها در ترجمه: نزدیک است، چیزی نمانده که، تقریباً، چندان.
- صورت های مختلف منفی کردن کاد:
 ما کاد + فعل مضارع
 لم یکد + فعل مضارع
 یکاد + لا نافیة + فعل مضارع
 لا یکاد + فعل مضارع

واژگان:

قضی علی: از بین بردن، ریشه کن کردن

در آیه ۱۵ سوره قصص آمده است: فَوَكَرَهُ مُوسَى فَقَضَى عَلَيْهِ (و به عمرش خاتمه داد).

هدم، به معنای نابود کردن است اما حرف جر «علی» ندارد.

با توجه به نکات فوق، گزینه های ۲ و ۴ که برای بیان نزدیکی از دو فعل قرب و اقترب استفاده کرده صحیح نمی باشد. و اگر در مواردی از این دو فعل استفاده شود، از آنجا که فعل مقاربه نیستند نیازی به اسم و خبر و دیگر شرایط افعال مقاربه ندارند. گزینه نیز ۳ به دلیل ذکر حرف جر "علی" برای فعل «هدم» صحیح نیست. لذا برای مفهوم حصول نزدیکی مسند به مسند الیه فقط از همان سه فعل مذکور استفاده می شود. بنابراین گزینه ۱ صحیح است.

منبع: آزاد

(ارشد ۷۱)

سؤال ۲. بعید نیست که معلمان کشورهای غربی، فضائل اخلاقی را فراموش کرده باشند.

- (۱) ليس ببعيد ان مدرسي البلاد الغربية قد نسوا مكارم الاخلاق.
 (۲) لا يستبعد أن يكون مدرسو البلاد الغربية قد نسوا مكارم الاخلاق.
 (۳) ليس بعيداً أن كان المعلمون في البلاد الغربية قد نسوا مكارم الاخلاق.
 (۴) لا يستبعد ان كان مدرسون البلاد الغربية قد نسوا مكارم الاخلاق.

گزینه ۲

نکته فن ترجمه ۲: فعل ماضی و انواع آن

<p>اقسام فعل ماضی در زبان عربی:</p> <p>۱- ماضی ساده یا مطلق، بدون هیچ پیشوندی: ذهب (رفت)</p> <p>ماضی ساده منفی در عربی:</p> <p>ما نافیه + فعل ماضی، لم + مضارع</p> <p>۲- ماضی نقلی، معادل فارسی: رفته است. صورت های مختلف در عربی:</p> <p>قد + ماضی و قد خلفتک: و تو را آفریده ام (مریم ۹۱)</p> <p>طالما، کثراً، قلما + ماضی</p> <p>لما + مضارع مجزوم</p> <p>لم + مضارع مجزوم + بعدُ</p> <p>نکته: «قد» همیشه معادل ماضی نقلی نیست گاهی تاکید فعل ماضی یا نزدیکی گذشته به زمان حال را میرساند. قد ذهب: همین الان رفت</p> <p>۳- ماضی استمراری، در فارسی: پیشوند «می» + ماضی ساده</p> <p>در عربی: کان + مضارع هم صیغه کان یدهب: میرفت</p> <p>لو + فعل شرط و جواب شرط</p> <p>نکته: گاهی به جای فعل کان ممکن است از افعال دیگری همچون اصبح استفاده شود.</p> <p>در حالت منفی:</p> <p>ما + ماضی کان + مضارع</p> <p>لم + مضارع مجزوم کان + مضارع</p> <p>کان + لا + مضارع</p> <p>نکته: گاهی در این اسلوب به جای فعل مضارع، اسم فاعل یا اسم مفعول می‌آید. نمونه قرآنی: لَمْ يَكُنِ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ مُتَفَكِّينَ حَتَّى تَأْتِيَهُمُ الْبَيِّنَةُ (بینه / ۱)</p> <p>۴- ماضی بعید. معادل فارسی: رفته بود</p> <p>کان + قد + ماضی</p> <p>نکته: در مواردی کان + ماضی بدون قد هم دلالت بر ماضی بعید میکند. همچنین قد + ماضی به شرطی که مسبوق به ماضی دیگری باشد افاده ماضی بعید میکند.</p> <p>حالت منفی ماضی بعید:</p> <p>ما نافیه + کان + ماضی</p> <p>۵- ماضی التزامی: بر امکان و احتمال وقوع کاری یا پدید آمدن حالتی در زمان گذشته دلالت می‌کند. با مفاهیمی همچون شک و تردید، آرزو تمنی، احتمال و دوست داشتن و امید همراه است. در فارسی: صفت مفعولی فعل + باش</p> <p>اسلوب ماضی التزامی در عربی: لیت / لعل / ربما / یحتمل و مفاهیمی از این قبیل + یكون / ان یكون + قد + ماضی</p> <p>یحتمل ان یكون قد ذهب: شاید رفته باشد. (گاهی در این اسلوب قد حذف میشود بدون ایجاد تغییری در معنا)</p> <p>برای منفی کردن ماضی التزامی از «لا یكون» استفاده میشود.</p> <p>۶- گاهی فعل ماضی معنای داعی دارد. در فارسی برای منفی کردن افعال داعی از ما یا ن استفاده میشود همچون خشنود مباد یا شفا ندهاد و در عربی از این اسلوب استفاده میشود: لا + فعل ماضی</p> <p>لا رضی الله عنه: خدا از او خشنود مباد</p> <p>چند نکته مهم درباره تغییر زمان ماضی:</p> <ul style="list-style-type: none"> - فعل ماضی در مقام دعا یا نفرین معنای حال و استقبال میدهد: رحمه الله: خدا او را رحمت کناد - فعل ماضی بعد از مای مصدریه زمانیه معنای مضارع میدهد: اتعلم ما دمت حیاً: تا زنده ام می آموزم - فعل ماضی بعد از ادوات شرط به معنای مضارع است: ان شاء الله اذهب غداً: اگر خدا بخواهد فردا میایم - فعل ماضی بعد از قسم منفی معنای مستقبل میدهد: و حیاتی لا نکثت عهدی: به جانم سوگند پیمانم را نخواهم شکست - در برخی جملات برای بیان وقوع یک امر حتمی در آینده از فعل ماضی که محقق الوقوع است استفاده میشود. نمونه قرآنی: وَنُفِخَ فِي الصُّورِ (زمر ۶۸) - گاهی فعل ماضی علاوه بر دلالت بر گذشته دلالت بر استمرار وقوع در حال و آینده نیز میکند: إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا (اسراء ۸۱) و یا عباراتی از صفات خدا سخن میگوید: إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا: خداوند علیم و حکیم بوده و هست و خواهد بود. - فعل ماضی معمولاً در آغاز قصه ها بر مفهوم حال دلالت میکند: قالوا - قیل - حُکی - زعموا - حُکوا: نقل است که. آورده اند که، میگویند که...
--

از آنجا که فعل جمله فارسی در سوال، ماضی التزامی است و نوعی احتمال را بیان میکند، لذا گزینه ۱ به علت اسلوب ماضی نقلی و گزینه های ۳ و ۴ نیز به دلیل اسلوب ماضی بعید صحیح نمی باشند. (... آن یكون قد نسوا: فراموش کرده باشند). همچنین اشکال دیگر گزینه ۴ این است که مدرسون که جمع مذكر سالم است در حالت اضافه، باید «ن» خود را از دست بدهد: مدرسو البلاد الغریبة.

منبع: آزاد



(ارشد ۷۱)

سؤال ۳. در روزنامه ها مقالاتی منتشر کرد که انعکاس آنها در جهان سیاست پیچید.

- ۱) نشر في الجرائد احاديث دوي صداها في عالم السياسة.
- ۲) نشر في الجرائد مقالات تردد في عالم السياسة ضجيجها.
- ۳) نشر في الجرائد مقالات دار انعكاس صوتها في عالم السياسة.
- ۴) نشر في الجرائد مقالات التوى انعكاسها في عالم السياسة.

گزینه ۱

واژگان:

دوى، دوى: منعكس شدن - طنين افكندن / الصدى: انعكاس / نشر: منتشر کردن - ترويج کردن / الضجيج: همهمه و فرياد / التوى: به هم تاب خوردن، به هم پیچیدن / تردد: منعكس شدن صدا

پاسخ این سوال مبتنی بر دانستن واژگان است.

با توجه به معنای واژگان، تنها گزینه ۱ صحیح است.

منبع: آزاد

(ارشد ۷۱)

سؤال ۴. هر جا افقهای عقل گسترش یابد، تمدن نیز شکوفا می‌گردد.

- ۱) في كل مكان تتباعد آفاق العقل تزدهر الحضارة.
- ۲) اينما تتراوح آفاق العقل تزدهر الحضارة.
- ۳) اينما اتسعت آفاق العقل ازدهرت الحضارة.
- ۴) اينما تتسع آفاق العقل تزدهر الحضارة.

گزینه ۴

نکته فن ترجمه ۳: اسلوب فعل شرط در ترجمه

ادوات شرط:	
اسم شرط: من، ما، مهما، أي، متى، أيان، أين، أتى، حيثما، إذا، كيفما و كيف.	
حرف شرط: إن، إذما، أما و لو.	
این مالک میگوید: واجزم بان و ما و مهما ای متى ایان این ادما و حيثما أتى و حرف ادما کاین و باقی الادوات اسما	
مثال:	
إن تنصروا الله، ينصركم	(اگر)
و من يثق بالله، يجعل له مخرجاً	(هرکس- کسی که)
و ما تقدموا لأنفسكم من خير، تجده عند الله	(هر چه - هر آنچه)
وقالوا مهما تأتينا به من آية لئسحرنا بها فما نحن لك بمؤمنين	(هر چه - هر گونه)
أياً ما تدعوا، فله الاسماء الحسنی	(هر کدام- هر کس- هر چه)
كيفما تعامل الناس، عاملوك	(هر طور- هر گونه)
متى ما تلق من تهوى، دغ الدنيا و أهملها	(هر وقت- هر گاه)
أينما تكونوا، يدرکم الموت	(هر کجا - هر جا)
نکته: اگر بعد از این ادوات شرط فعل شرط و جواب آن، ماضی یا مضارع باشد، مضارع ترجمه میشود	
ادوات شرط غير جازم:	
لو: حرف شرط مختص ماضی لو أنزلنا هذا القرآن على جبل لرأيته خاشعاً متصدعاً من خشية الله (حشر ۲۱)	
اگر لو پس از فعل مضارع بیاید به ماضی ترجمه میشود.	
اذا: در جایی استعمال میشود که وقوع فعلی در آینده حتمی باشد. إذا جاء نصر الله و الفتح (نصر / ۱)	
(ان که از ادوات شرط جازمه است چه بر سر ماضی بیاید چه بر سر مضارع دلالت بر وقوع احتمالی دارد) لما بر سر فعل ماضی می‌آید. جزم نمیدهد اما معنای شرطیه زمانیه دارد.	

واژگان:

اتساع: گسترش یافتن / تراوح: در نوسان بودن. در تغییر بودن / ازدهر: شکوفا شدن، رشد کردن
 با توجه به نکات فوق و نیز مفهوم جمله که شرطیه ی مضارع است، جمله جواب شرط نیز که در اینجا تزدهر میباشد باید به صورت مضارع بیاید. همچنین جمله شرط یعنی (هر جا افقه‌های عقل گسترش یابد) نیز مضارع است پس گزینه ۳ که فعل اتسعت ماضی آمده نادرست است. نکته دیگر اینکه در این جمله شرطیه معادل “هر جا” اینما میباشد از این رو گزینه ۱ نیز نادرست است. حال با توجه به آنچه گفته شد و معنای تنسّع و تراوح گزینه ۴ صحیح است.

منبع: آزاد

(ارشد ۷۱)

سؤال ۵. این حقوق‌های عالی، تا زمانی که زنده اند به ایشان تقدیم می شود.

- ۱) هذه الحقوق العالية تعطى لهم ما زالوا على قيد الحياة.
- ۲) هذه الشهوريات العالية تمنح لهم طالما كانوا على قيد الحياة.
- ۳) هذه المرتبات العالية تمنح لهم طالما كانوا على قيد الحياة.
- ۴) هذه الشهوريات الباهضة تمنح لهم طالما على قيد الحياة.

گزینه ۳

نکته فن ترجمه ۴: طالما، فلما، كثرما

افعالی مانند “طال، قل و کثر” هر گاه یا “ما کافه” ذکر شوند فعل جامد محسوب شده و بی نیاز از فاعلند و تنها بر جمله فعلیه افزوده میشوند. قابل صرف نیستند و تنها یک صیغه دارند.
 فعل ماضی پس از طالما و قلما و کثرما، ماضی نقلی ترجمه میشود. (ارجاع به نکته فن ترجمه ۲ “ماضی نقلی”)
 فلما فعلت ذلك: کمتر آن کار را کرده ام
 کثرما شاهدناه فی الجامعة: او را در دانشگاه بسیار دیده ام.
 طالما تشوقنا لی لقائه: از مدتها قبل مشتاق دیدارش بوده ام.
 معادل های فارسی:
 طالما: از مدتها قبل – مدتهاست – از دیرباز- دیرزمانی است که- خیلی وقت است که
 فلما: کمتر (در گذشته)
 کثرما: بسیار (در گذشته)

واژگان:

المرتبّة: حقوق / الشهرية: ماهانه / الباهضة: به معنای سنگین و مشقت آور
 منح: تقدیم کردن، عطا کردن / اعطی: دادن، تقدیم کردن
 از آنجا که طالما صرف نمیشود و به صیغه واحدی می آید گزینه ۴ نادرست است.

منبع: آزاد

(ارشد ۷۱)

سؤال ۶. خوب است با جانی تشنه به علم روی آوریم و از سرچشمه های پاک آن عقلهای خود را سیراب کنیم.

- ۱) يحسن بنا أن نقبل على العلم بنفس ظمأى و نروى عقولنا بمنابعه النقية.
- ۲) يحسن بنا أن نتوجه على العلم بنفس ظمأى و نسقى عقولنا بمنابعه النقية.
- ۳) يجدر بنا أن نتوجه على العلم بنفس عطشان و نروى عقولنا بمنابعه النقية.
- ۴) ينبغي أن نقبل على العلم بنفس عطشى و نستسقى عقولنا بمنابعه النقية.

گزینه ۱

نکته فن ترجمه ۵: اهمیت مذکر و مؤنث در ترجمه

حقیقی
 (مذکر حقیقی: انسان یا حیوان نر را گویند: رجل، دیک، اب و...)
 (مؤنث حقیقی: انسان یا حیوان ماده را گویند: امرأة، دجاجة، ام و...)



جنس (مذکر، مؤنث)

مجازی
(مذکر مجازی: قلم، کتاب، ماء)
(مؤنث مجازی: ید، شمس، حدیقه)

تقسیم بندی دیگر برای مؤنث: لفظی و معنوی

مؤنث لفظی:
اسم های مختوم به یکی از علامات تأنیث (تاء تأنیث، الف تأنیث مقصوره، الف تأنیث ممدوده)
مثال: فاطمة - حمزة - زهراء - سلمی - صحراء - زکریاء

مؤنث معنوی:
کلمه‌ای که در واقع مؤنث است ولی لفظ آن علامت تأنیث ندارد. مانند: مریم، أخت، شام، عین، ارض، هند، زینب
برخی کلمات مؤنث، هم علامت تأنیث دارند (مؤنث لفظی اند) و هم معنای تأنیث دارند (مؤنث معنوی اند). به این کلمات، «مؤنث لفظی معنوی» می‌گویند. مانند: فاطمة
شناخت مؤنث‌های معنوی، سماعی است؛ ولی ۴ مورد زیر مؤنث معنوی قیاسی اند:

۱. علم مؤنث: مریم، زینب
۲. اسامی خاص زنان یا جنس ماده: أم، أخت، مُرضع (شیر ده)، حامل (باردار)
۳. نام شهرها و قبائل: ایران، طهران، قریش
۴. اسامی بیشتر اعضاء زوج بدن: ید، رجل، عین، اُن

استثناء: «حاجب» (ابرو) و «خذ» (گونه) و مرفق (آرنج) علی‌رغم زوج بودن مذکر هستند.
برخی موارد مؤنث معنوی سماعی:
ارض- اصبع- بنر- جحیم- جهنم- حرب - دار- ریح- سقر- سنّ- شمس- عصا- عین (چشمه)- فُلك- قدم- قوس- کأس- نار و...
برخی اسماء دو وجهی (هم مذکر هم مؤنث): سماء- سوق - سبیل - نفس - طریق و...

واژگان:

أقبل علی: روی آوردن

توجه نحو، الی: روانه شدن، رفتن، روی آوردن به

اروی... الإرواء: سیراب کردن

استسقی: آب طلبیدن

با توجه به نکات فوق، گزینه ۳ از آنجا که صفت نفس را مذکر (عطشی) آورده صحیح نمی باشد. همچنین فعل توجه با "الی" به کار می‌رود نه با "علی" و نکته دیگر اینکه به سیراب شدن در عربی، إرواء گفته میشود. با توجه به این نکات سایر گزینه‌ها به جز گزینه ۱ صحیح نمی باشد.

منبع: آزاد

سؤال ۷. اگر بگوئیم که فرهنگ در آن بی ارزش است، از حقیقت چندان به دور نیفتاده ایم. (ارشد ۷۱)

(۱) إن قلنا ان الثقافة فیها بدون القيمة لما ابتعدنا من الحقيقة كثيرا.

(۲) لو قلنا ان الثقافة فیها لاقیمة لها، لما وقعنا بعیدا عن الحقيقة جدا.

(۳) لو قلنا ان الثقافة فیها لاقیمة لها، لا سقطنا بعیدین عن الحقيقة جدا.

(۴) لا نکاد نعدو الحقيقة اذا قلنا ان الثقافة فیها عدیمة القيمة.

گزینه ۴

نکته فن ترجمه ۶: معادل های "اگر" در عربی

لو شرطیه (امتناعیه): از ادوات شرط غیر جازم است که بر دو فعل ماضی وارد می شود و دال بر انتفاء شرط در گذشته است.
بیانگر این است که چون فعل شرط اتفاق نیفتاده، جواب شرط نیز به وقوع نپیوسته است.

لو درست نجات: اگر درس میخواندی موفق می شدی.
 لو اگر بر مضارع وارد شود به معنای ماضی است. (لو یفی کفی: اگر وفا میکرد کفایت می کرد)
 این: معنای جمله را به آینده محتمل تبدیل میکند و جازمه است. مثال: آن تدریس نتجیح: اگر درس بخوانی موفق می شوی
 اذاً: ادوات شرط غیر جازم: در جایی به کار می رود که وقوع فعل در آینده حتمی باشد. مثال: اذا جاء نصر الله و الفتح
 شایان ذکر است وجود اذاً در آیات مربوط به قیامت بیانگر آن است که وقوع قیامت و اتفاقات آن حتمی است.
 لولاً: اگر نه

واژگان:

عديمة القيمة: بی ارزش / عدا یعدو: تجاوز کردن. فرا تر رفتن

ارجاع به نکته فن ترجمه ۱ (افعال مقاربه)

با توجه به نکات فوق، لو قلنا به معنای "اگر میگفتیم" است. در حالیکه در سوال "اگر بگوییم" آمده است. با توجه به گزینه دوم و سوم که لو آمده باید گفت لو در اینجا لو شرطیه یا امتناعیه است که بر سر فعل ماضی می آید و از ادوات شرط غیر جازم است که هر گاه در ابتدای جمله شرطیه به کار رود به این معناست که هرگز امکان تحقق شرط وجود ندارد. قسمت دوم سوال یعنی جمله "از حقیقت چندان به دور نیفتاده ایم" ما را به سمت ترجمه دقیق این جمله با افعال مقاربه سوق میدهد که در نکته فن ترجمه ۱ توضیح داده شده است.

منبع: آزاد

سؤال ۸. فلسفه همین که وارد آموزشگاه های دینی ایران شد سخت شکوفا گردید. (ارشد ۷۱)

۱) عندما دخلت الفلسفة معاهد دینیة ایران ازدهرت ازدهارا شدیداً.

۲) مهما دخلت الفلسفة معاهد ایران العلمیة ازدهرت ازدهارا.

۳) ما إن دخلت الفلسفة معاهد ایران الدینیة حتی ازدهرت ازدهارا.

۴) لم تکد الفلسفة تدخل المعاهد الدینیة ایران حتی ازدهرت کثیراً.

گزینه ۳

نکته فن ترجمه ۷: به محض این که / هنوز نه... که / همین که/ همچنان/ پیوسته

معادل ساختار تحقق دو فعل همزمان: (به محض این که / هنوز نه... که / همین که)
 این حرورف ربط مرکب در مواردی به کار میرود که دو کار با فاصله ای کم و یا هم زمان با هم رخ داده باشند. مثال: به محض اینکه وارد منزل شدم تلفن زنگ زد.

۱- ما إن + ماضی... + حتی + ماضی

- ما إن دخلت الجامعة حتی اخذت اکتب أطروحتی؛ به محض اینکه (همین که) وارد دانشگاه شدم، شروع به نوشتن پایان نامه ام کردم.
- ما إن شنَّ الأعداء الهجوم الی بلادنا حتی ذهب الشبان الی الجبهات؛ همین که دشمنان به کشور ما حمله کردند، جوانان به جبهه ها رفتند.
- ما إن دخلت عمید الكلية حفل التخرج حتی صقَّ له الجميع؛ به محض اینکه رئیس دانشکده وارد جشن فارغ التحصیلی شد، همه برای او کف زدند.

۲. ما کاد/ لم یکد + مضارع... + حتی + ماضی

- لم یکد احمد یدخل الكلية حتی التقی بمریم؛ احمد هنوز وارد دانشکده نشده بود که به مریم برخورد.
- لایکاد یبلغ باریس حتی یصرف عن الرسالة صرفاً عتیفاً؛ به محض اینکه به پاریس وارد می شود، به اجبار از کار رساله دست می کشد. هنوز در جملات ساده مثبت:

۱- ما زال/ ما فقی/ ما انفک/ ما برح + نهاد و گزاره:

- ما زال علی دارسا/ یدرس العربیة؛ علی هنوز درس عربی می خواند.
- ما برح / لا یرح الإعلام یصنع الفکر عند بعض الناس؛ تبلیغات هنوز سازنده فکر برخی از مردم است.
- لا یزال یدافع/ مدافعا عن بلده؛ او هنوز از کشور خود دفاع می کند.
- لم یزل علی استاذة فی کلیتنا؛ علی هنوز در دانشکده ما استاد است.
- انت لم تزل صدیقی؛ تو هنوز دوست من هستی.

۲- ظلّ/ بقی + نهاد و گزاره:

- ظل الاستاذ واقفا فی الصف؛ استاد هنوز در کلاس ایستاده است.
- بقی اخی جندیاً فی الجیش؛ برادم هنوز در ارتش سرباز است.
- در جملات منفی ساده:
- بعدُ: (ظرفی است که مضاف الیه آن محذوف است. مبنی بر ضم و محلا منصوب)
- (هر چند گاهی در جملات مثبت هم به معنای هنوز به کار می رود)
- لم+ فعل مضارع (لم اتکلم بالعربیة بعدُ)



• **لما + مضارع مجزوم**
معادل های همیشه و همچنان و پیوسته:
۱- دائماً و ابداً
۲- افعال ناقصه: ما زال - ما برح - ما انفك - ما فتى- بقى- ظل
افعال مازال، ما برح، ما انفك، ما فتى زمانی معادل قید همیشه و پیوسته هستند که قبل از آنها ادات نفی یا شبه نفی (دعا، نهی) آمده باشد. مانند:
لا يزال التوفيقُ رانك في كلِّ ما تقدم عليه؛ توفيق در تمام کارهایی که در پیش داری پیوسته پیشاهنگ تو باد.
تشخیص زمان فعل جمله منوط به سیاق و متن مربوطه است. البته زمانی که قبل از این افعال ناقصه «کان» ذکر شود، این قیود مختص فعلی هستند که در زمان گذشته روی داده است. مثال: کان لا يزال صغيراً؛ هنوز کوچک بود.

نکته فن ترجمه ۸: ترکیب وصفی- اضافی

در یک ترکیب اضافی ممکن است مضاف دارای صفت باشد یا مضاف الیه دارای صفت باشد:
در زبان فارسی، صفتی که به مضاف تعلق دارد میتواند بین مضاف و مضاف الیه قرار بگیرد. اما در عربی، صفت مضاف باید پس از مضاف الیه بیاید چون بین آن دو پیوندی محکم است گویی یک کلمه اند. مثال= درختان بلند خیابان: اشجار الشارع الباسقة
گاهی هم ممکن است صفت به مضاف تعلق داشته باشد. نمایشگاه کتابهای عربی: معرض الكتب العربية
ملاک تشخیص: نشانه های نحوی مطابقت صفت و موصوف و استفاده از قرائن دیگر
مقالات سیاسی مجلات: مقالات المجلات السياسية
مقالات مجلات سیاسی: مقالات المجلات السياسية
روشن است اگر دو عبارت فوق، بدون اعراب باشد هر دو ترجمه محتمل است.
در برخی ترکیبها قرائن معنوی به ما کمک میکند تنها یک ترجمه از عبارت داشته باشیم. شجرة الحديقة الباسقة: روشن است باسقة به معنای بلند، صفت شجرة است و نمیتواند صفت حديقة باشد.
بنابراین معادل یابی مضاف موصوف در عربی به دو روش صورت میگیرد:
۱. **مضاف(موصوف) + مضاف الیه + صفت (مدل م. م. ص)**
دولت های عربی خلیج؛ دول الخلیج العربية
حقوق هسته ای ایران؛ حقوق ایران النووية
اتومبیل زیبای محمد: سيارة محمد الجميلة
۲. **مضاف + صفت + مضاف الیه (مدل م. ص. م)**
ابتدا موصوف و صفت ذکر شده و سپس مضاف الیه به همراه حرف جر (لِ، من، فی، بَاء) آورده میشود.
الدور الهام لايران: نقش مهم ايران
المقالات السياسية للمجلات: مقالات سیاسی مجلات
الأمين العام للأمم المتحدة: دبیر کل سازمان ملل متحد
المؤتمر الثامن للفكر الإسلامي (مؤتمر الفكر الإسلامي الثامن): هشتمین کنفرانس اندیشه ی اسلامی
الذكرى السنوية الثانية لاعتقال العلامة...: دومین سالگرد ترور علامه...
نیمه دوم همان ماه؛ النصف الثاني من الشهر نفسه
موسسه عالی پرستاری و مامایی؛ المعهد العالی للتمريض و الولادة
مکتب الإعلام الإسلامي فی الحوزة العلمية بمدينة قم؛ دفتر تبلیغات اسلامی حوزة علمیه شهر قم
نکته: حروف جری که همراه با مضاف الیه به کار میروند، معادل کسره در فارسی اند.

گزینه های ۱ و ۲ با توجه به نکته شماره ۷ مورد نظر نیست و اسلوب صحیح رعایت نشده است. در گزینه ۴ ترکیب مضاف و مضاف الیه و صفت درست بیان نشده است. گزینه ۱ نیز کلمه دینیة بدون «ال» آمده که صحیح نمی باشد.
منبع: آزاد

سؤال ۹. شاید خطا نباشد اگر بگوییم که نادانی شاگردان شاید نتیجه نادانی معلمان باشد. (ارشاد ۷۱)

- ۱) لعلی لا أخطيء إذا قلت أن جهل التلاميذ ربما كان نتيجة جهل المعلمين.
- ۲) لعل ليس من الخطأ أن أقول أن جهل التلاميذ نتيجة جهل المعلمين.
- ۳) لعله أن لا يكون خطأ إذا قلت ان جهل التلاميذ نتيجة جهل المعلمين.
- ۴) لعل أني لا أخطيء إذا قلت إن جهل التلاميذ نتيجة جهل المعلمين.

گزینه ۱

نکته فن ترجمه ۹: توجه به معنا و عملکرد حروف مشابهة بالفعل

حروف مشبیهة بالفعل حروفی هستند که بر سر جمله اسمیه می‌آیند و علاوه بر اینکه اسم را منصوب میکنند و خبر را مرفوع باقی می‌گذارند، در معنای جمله هم تغییراتی ایجاد میکنند:

إِنَّ: همانا به درستی که (للتأكيد)
 أَنْ: که (للاتصال بین جملتين)
 كَأَنَّ: مثل اینکه / گویا (للتشبيهه)
 لَكِنَّ: ولی / ولیکن (يرفع الابهام و الشك)
 لَيْتَ: کاش (للتمني- للحسرة - تحقق محال)
 لَعَلَّ: شاید (للترجی)

این مخففه از متقله: هرگاه بعد از ان (با نون ساکن) لام باشد نشان دهنده ی آن است که در اصل ، {ان} ، {ان} (با نون مشدد) بوده است. {ان} در این حالت، انْ مُخَفَّفَةٌ از مُتَقَلَّة نام دارد و آن لام هم لام مزحلقة ی آن می باشد. مثال: انْ هذان لساحران يريدان ان يخرجاكم من ارضكم.. (۶۳ طه)

ذکر «اسم و خبر» صحیح برای حرف «لعل» در این سؤال برای رسیدن به پاسخ صحیح حائز اهمیت است. با توجه به اسم و خبر لعل در گزینه ها که ناظر به متکلم وحده است هر چند در متن سؤال، متکلم مع الغیر بیان شده دیگر گزینه ها از اسم و خبر صحیحی برخوردار نیستند.

منبع: آزاد

سؤال ۱۰. اندیشه متعالی دین کم کم در اجتماع نفوذ کرد و به زودی بار آورد. (ارشاد ۷۱)

- ۱) أخذت فكرة المتعالية الدين تدب في المجتمع وسرعان ما أثمرت
- ۲) أخذت فكرة الدين المتعالية تدب في المجتمع وسرعان ما أثمرت.
- ۳) أخذت فكرة الدين المتعالية تنفذ في المجتمع وسرعت ما أثمرت.
- ۴) أخذت الفكرة الدينية المتعالية تنفذ في المجتمع وسرعت ما أثمرت.

گزینه ۲

نکته فن ترجمه ۱۰: سرعان ما و ترجمه آن

در برخی جملات مفهوم به زودی با اسلوب « سرعان ما » بیان میشود. سرعان اسم فعل به معنای ماضی است.

نکته فن ترجمه ۱۱: توجه به معنا و عملکرد افعال شروع

افعال شروع از جمله فعلهای کمکی هستند. افعال کمکی در زبان عربی به فعلهایی گفته میشود که پیش از فعل اصلی جمله قرار میگیرند و معنا یا زمان آن تغییری ایجاد میکنند.

ترکیب فعل کمکی «أخذ» و فعل مضارع را غالباً در فعلهایی که ارادی نیستند میتوان به صورت مضارع مملوس (فعل مضارع از بُن «دار» + مضارع اخباری، مانند: دارم میروم، دارد مینویسد) ترجمه کرد:

أخذ الطفلُ يَسْتَيْقِظُ: کودک دارد بیدار میشود.

أخذ المريضُ يغيب عن الوعى: بیمار دارد بیهوش میشود.

در فعلهایی که ارادی محسوب میشوند بهتر است از معادل شروع کردن استفاده کرده و فعل اصلی را به صورت مصدر، ترجمه کنیم:

أخذ الطالبُ يَكْتُبُ رسالةً لصديقه: دانشجو شروع به نوشتن نامه ای به دوستش کرد.

أخذ الأستاذُ يُلقي مُحاضرةً: استاد، شروع به سخنرانی کرد.

فعلهای «بَدَأَ»، «جَعَلَ»، «شَرَعَ»، «طَفِقَ»، «أَنشَأَ» نیز کاربردی همچون «أخذ» دارند. فعلهای «رَاحَ» (رفت)، مَضَى (رفت) نیز اگر از معنای اصلی خود خارج شوند و به صورت فعل کمکی به کار روند کاربردی همانند «أخذ» دارند:

راح يَنْتَرُ في الشوارع: شروع به گردش در خیابانها کرد.

مَضَى يُفكر في أمرى: شروع به فکر کردن در کار من کرد.

- زمان فعل شروع، ماضی است لذا فعل مضارع پس از آن از نظر زمانی مورد توجه قرار نمی گیرد و چنانکه اشاره شد به صورت مصدر ترجمه می شود.

واژگان:

دَبَّ فِی: نفوذ کردن در چیزی به آرامی

ارجاع به نکته فن ترجمه ۸ (ترکیب وصفی - اضافی)



راز رسیدن به پاسخ این سؤال توجه به ترکیب صحیح وصفی - اضافی است و نیز عنایت به تعبیر صحیح «به زودی به بار آوردن». معادل «اندیشه متعالی دین» عبارت است از فکرة الدین المتعالیة. لذا فقط گزینه ۲ و ۳ صحیح است و با توجه به اسلوب سرعان ما گزینه ۳ نیز رد میشود. اخذ در این جمله از افعال شروع است و نشانه اش فعل مضارع پس از آن است که از معنای اصلی خود خارج شده و در متن سوال با تعبیر «کم کم» بیان شده است.

منبع: آزاد

(ارشد ۷۱)

ترجمه از عربی به فارسی: بهترین ترجمه کدام است؟

سؤال ۱۱. کان جلّ العرب قبائل متبدية لا يربطها قانون.

- ۱) اعراب، به صورت قبائل پراکنده ای در آمدند که هیچ قانونی آنان را به هم پیوند نمی داد.
- ۲) قبائل بادیه نشین، اعراب اصیلی بودند که تن به هیچ قانونی نمی سپردند.
- ۳) اکثر اعراب قبائل بادیه نشینی بودند که هیچ قانونی آنان را به هم پیوند نمی داد.
- ۴) اکثر اعراب قبائل بادیه نشینی بودند که با هیچ قانونی پیوند نداشتند.

گزینه ۳

ارجاع به نکته فن ترجمه ۲ (فعل ماضی)

واژگان:

تبدی: در صحرا زیستن. المتبدية: صحرا نشین / جلّ: اکثر، بیشتر
با توجه به نکات فوق، در گزینه ۱ و ۲ اکثر نیامده، تنها در گزینه ۳ اسلوب ماضی استمراری رعایت شده. ضمن آنکه در گزینه ۴ کلمه قانون مفعول در نظر گرفته شده حال آنکه نقش فاعلی دارد.

منبع: آزاد

(ارشد ۷۱)

سؤال ۱۲. لكم من محام يعرف مداخل الشرع و مخارجه.

- ۱) چه بسیار وکیل که از کش و قوسهای قانون آگاه است.
- ۲) شما پشتیبانی دارید که از زیر و بم شرع آگاه است.
- ۳) شما چندین محل حمایت دارید که در آنها زیر و بم شرع شناخته می شود.
- ۴) چند حمایت کننده از کش و قوس قانون آگاه است؟

گزینه ۱

نکته فن ترجمه ۱۲: کنایات عدد (کم، کاین، کذا)

کنایات عدد عبارتند از: کم، کاین، کذا
انواع کم: خبریه و استفهامیه
کم خبریه: افاده تکثیر می کند و عمدتاً اسم پس از آن با من بیانیه می آید: كَمْ مِنْ فِتْنَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِتْنَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ
کم استفهامیه: پس از آن اسم منصوب به عنوان تمییز می آید: کم کتاباً لک؟
کاین: چه بسیار. همیشه پس از آن اسم مجرور به من بیانیه می آید: وَ كَآئِنٍ مِنْ نَبِيِّ قَاتِلٍ مَعَهُ رَبِّيُونَ كَثِيرٌ
کذا: چنین و چنان. تمییز کذا همیشه به صورت مفرد و منصوب می آید: عندی کذا و کذا کتاباً

واژگان:

المُحامي: وکیل (حمی یحمی: حمایت کردن)

با توجه نکات فوق و ترکیب جمله که از این قرار است؛ لام: حرف تاکید. کم: مبتدا (خبریه به معنای چه بسیار). من محام: جار و مجرور (من بیانیه). جمله «يعرف مداخل...» محلاً مرفوع، خبر. لذا تنها گزینه ۱ صحیح است. واضح است در گزینه های ۳ و ۴ «کم» به صورت «کم پرسشی» ترجمه شده است. در حالیکه نوع کم در اینجا خبریه است نه پرسشی.

منبع: آزاد

(ارشد ۷۱)

سؤال ۱۳. خوف المستبد من نعمة رعيته أكثر من خوفهم بأسه.

- ۱) ترس مستبد از خشم مردم، بر ترس ایشان از قهر او افزوده است.
- ۲) ترس مستبد از خشم مردم بیش از ترس وی از قدرت و دلاوری ایشان است.
- ۳) مستبد از خشم مردم بیشتر می ترسد تا از دلاوری ایشان.
- ۴) مرد مستبد از خشم مردم بیشتر می ترسد تا مردم از قهر و قدرت او.

گزینه ۴

نکته فن ترجمه ۱۳: عمل مصدر در عربی و ترجمه آن

مصادر در زبان عربی در صورتی که شرایط را دارا باشند همانند فعل خود عمل میکنند. اگر فعل آنها لازم باشد فاعل و اگر متعدی باشد علاوه بر فاعل مفعول نیز میگیرند. مثال: تحقیر الانسان نفسه ضرب من الذلة: خویشتن را خوار شمردن نوعی ذلت و خواری است. مصدر متعدی غالباً به فاعل خود متصل می شود و به دنبال آن مفعولش ذکر می گردد.

واژگان:

النقمة: خشم / البأس: دلاوری و شجاعت

در این سؤال در عبارت خوفهم، خوف به ضمیر "هم" که فاعل آن است اضافه شده و مفعول پس از آن آمده است. منبع: (کتاب عبد الرحمن الكواکبي: طبائع الاستبداد ومصارع الاستعباد)

(ارشد ۷۱)

سؤال ۱۴. قال: فهلا ثبت فنقاتل معك؟ قال له: او بمثلک تسد الثغور.

- ۱) گفت: هیچ چیز ثابت نشده ما باز همراه تو می جنگیم، گفت: با چون توئی مرزها بسته می شوند؟
- ۲) گفت: آیا پایداری نمی کنی تا در کنار تو بجنگیم؟ پاسخ داد: آیا با چون توئی می توان از مرزها پاسداری کرد؟
- ۳) گفت: تو ثابت قدم نیستی، ما با تو می جنگیم. گفت: دهان چون توئی را باید بست.
- ۴) گفت: ثابت قدم باش تا همراه تو بجنگیم. پاسخ داد: آری، با چون توئی دهانها را می توان بست.

گزینه ۲

نکته فن ترجمه ۱۴: ادوات عرض و تحضيض

عرض به معنای خواهش و درخواست همراه با نرمی و ملایمت است: الا- اما- لو حروف تحضيض (هلا - الا- لولا - لوما- الا) هر گاه بر افعال مضارع وارد شوند معنای تشویق و اگر بر افعال ماضی وارد شوند معنای توبیخ را میرسانند. هلا تحترم اباک: آیا به پدرت احترام نمی گذاری؟ یعنی به پدرت احترام بگذار (تحضيض) هلا احترامت اباک: آیا به پدرت احترام نگذاشتی؟ یعنی چرا به پدرت احترام نگذاشتی؟ (توبیخ)

واژگان:

«ثغور»: ج ثغر: دهان، دندان، مرز.

با توجه به قرائنی چون «ثبت فنقاتل...» معلوم می شود در اینجا مقصود از ثغور، مرز است. با توجه به معنای ثغور گزینه های ۳ و ۴ صحیح نیست و با توجه به مفهوم هلا تنها گزینه ۲ را میتوان انتخاب کرد. منبع: آزاد

(ارشد ۷۱)

سؤال ۱۵. قال: لا ینبغی لی أن أویه بل أبعث به الی ولیه.

- ۱) گفت: شایسته نیست که پناهنده دهم بلکه او را نزد مولایش خواهم فرستاد.
- ۲) گفت: شایسته من نیست که او را به پناه من فرستی، بلکه او را نزد ولی اش بفرست.
- ۳) گفت: شایسته نیست که او را بازگردانم، چرا که ولی اش او را نزد من فرستاده است.
- ۴) گفت: شایسته نیست که به حرف او گوش دهم، بلکه مولایش را نزد من بفرست.



گزینه ۱

واژگان:

آوی: پناه دادن

فعل آوی از ماده «آوی» مشتق شده است به معنای پناه دادن. سپس به باب افعال رفته است. لذا با توجه به معادل پناه دادن واژه آوی فقط گزینه ۱ درست است.

منبع: آزاد

(ارشد ۷۱)

سؤال ۱۶. کیفما كان الأمر لا تستطيعون أن تدفعوا ما أجمع عليه الرواة.

- ۱) چگونه بود که نمی توانستند در مقابل آنچه راویان علیه شما جمع کرده اند از خود دفاع کنید.
- ۲) هر چه باشد نمی توانید ثروتی را که راویان جمع کرده اند خرج کنید.
- ۳) چگونه است که نمی توانید آنچه را راویان جمع کرده اند رد کنید؟
- ۴) هر چه باشد نمی توانید از پذیرفتن آنچه راویان بر آن اتفاق دارند سر باز زنید.

گزینه ۴

واژگان:

اجمع علی: اتفاق نظر داشتن / کیفما كان: هر طور که باشد. هر چه باشد

اولاً گزینه ۱ صحیح نیست چون فعل " نمی توانستند" ماضی است در حالیکه لا تستطيعون مضارع است. ثانیاً گزینه هایی که در آنها به مفهوم اجماع توجه نشده است همگی نادرست اند. شایان ذکر است کلمه «کیفما...» به معنای «هر طور که...» می باشد.

منبع: آزاد

(ارشد ۷۱)

سؤال ۱۷. لا يستطيع الخلاص من رقابة الحكومة لرعاياها في الخارج.

- ۱) رعایای دولت در خارج از دست رقابت دولت خود خلاص نمی شوند.
- ۲) خلاصی از دست رقابت حکومت با اتباع خارجی خود ممکن نیست.
- ۳) نمی تواند از چنگ کنترل دولت بر اتباع خود در خارج رهائی یابد.
- ۴) نمی تواند از دست رقابت دولت بر اتباعی که از کشور خارج شده اند بگریزد.

گزینه ۳

واژگان:

الرقابة: کنترل / الحكومة: دولت / الرعايا: ج رعية: اتباع

ذکر این نکته لازم است که کلمه خلاص در این جمله مفعول است. لذا گزینه ۲ صحیح نیست. و نیز با توجه به معنای واژه رقابة، بطلان گزینه های ۱ و ۲ و ۳ نیز روشن میشود.

منبع: متون معاصر (کتاب منهج المدرسة العقلية الحديثة في التفسير)

(ارشد ۷۱)

سؤال ۱۸. ثم حلت الخطابة منزلة أسمى من الشعر.

- ۱) سپس خطابه در جایی ارجمندتر از شعر نشست.
- ۲) سپس خطابه به درجه ای که ظاهراً شبیه به شعر بود رسید.
- ۳) سپس خطابه به درجه ای پایین تر از شعر نزول کرد.
- ۴) سپس خطابه ظاهراً به منزله شعر تلقی شد.

گزینه ۱

نکته فن ترجمه ۱۵: توجه به اسم تفضیل

صفت تفضیلی (تر): افعال = مِنْ صفت عالی (ترین): افعال + مضاف الیه
 افعال تفضیل وقتی با حرف جر «إلی» متعدی شود آن ضمیر یا اسم در معنای فاعل است، و هرگاه با حرف جر «لام» متعدی شود در معنای مفعول است.

واژگان:

حلّ منزلة... = در جای... نشستن / اسمی: ارجمند تر - سمو به معنای علو (افعل تفضیل)
 در گزینه های ۲ و ۴ خبری از تفضیل و برتری نیست لذا صحیح نیستند. گزینه ۳ نیز با توجه به معنای واژه اُسمى صحیح نیست.
 منبع: آزاد

(ارشد ۷۱)

سؤال ۱۹. بلغ من اعجاب الأمير به أن قال له أنت أمير الشعراء

- ۱) در بزرگداشت امیر بسیار مبالغه کرده به او گفت تو امیر شاعرانی.
- ۲) امیر چنان شیفته او شد که گفت: تو امیر شاعرانی.
- ۳) او چنان شیفته امیر شد که گفت: تو امیر شاعرانی
- ۴) امیر چنان تعجب کرد که به او گفت: آیا تو امیر شاعرانی؟

گزینه ۲

نکته فن ترجمه ۱۶: اعجاب (خوش آمدن)

معادل خوش آمدن در عربی «اعجاب» است. در زبان فارسی برای بیان مفهوم «خوش آمدن از کسی یا چیزی» معمولاً از حرف اضافه «از» استفاده می‌کنند؛ اما در زبان عربی برای بیان این مفهوم نیازی به استفاده از مِنْ نیست.
 نحوه بیان مفهوم خوش آمدن: فعل أَعَجَبَ، يُعَجِبُ (باب افعال) + فاعل معنایی (مفعول نحوی) + فاعل نحوی و بدون استفاده از مِنْ
 تُعَجِبُ فاطمةَ العربيةَ: فاطمه از عربی خوشش می‌آید. (ترجمه به شیوه کهن: فاطمه را عربی خوشش آید)
 نکته: عدد و نوع فعل اعجب تابع فاعل دستوری آن است نه فاعل معنایی
 توجه کنید که مفعول به نحوی جمله در معنا فاعل است و فاعل نحوی جمله در معنا مفعول.
 لم يعجب استاذنا كلامَ احمدَ (= لم يعجب كلامَ احمدَ استاذنا)؛ استاد ما از سخن احمد خوشش نیامد.
 در ترجمه براساس فاعل معنایی برگردان می‌شود:
 مثال: انّ هذا القلم اعجبهم (فاعل دستوری: قلم؛ فاعل معنایی: آنان)، انّ هذا القلم اعجبوهم
 ترجمه: آنان از قلم خوششان آمد.
 انهم لم يعجبونا: ما از آنها خوشمان نیامد.
 در بسیاری از موارد در صیغه های غائب، فاعل معنایی ابتدا قبل از فعل اعجب ذکر میشود بعد از آن ضمیری متصل در مقام مفعول می‌آید.
 مثال: ان فاطمة لم يعجبها كلامُ صديقه
 بیان مفهوم اعجاب به شکل مجهول:
 بدون همراهی با فاعل نحوی به کار میرود. در واقع فاعل معنایی به صورت اسم یا ضمیر مرفوعی پس از آن (در مقام نائب فاعل نحوی) ظاهر میشود و متمم با «ب» می‌آید.
 فعل مجهول از اعجب يعجب + فاعل معنایی (نائب فاعل نحوی) + ب + متمم
 ان الطلاب يعجبون بمعلميهم
 أعجبت ب... = من خوشم آمد از / شیفته... شدم

واژگان:

اعجب يعجب: خوش آمدن و شیفته شدن، پسندیدن
 ارجاع به نکته فن ترجمه ۱۳ (عمل مصدر و ترجمه آن)
 در این عبارت فاعل «بلغ» هو مستتر است و مفعول آن «ان قال...» و مفعول اعجاب هم «به» است.
 منبع: آزاد

(ارشد ۷۱)

سؤال ۲۰. المكتبة العربية انتخب هذه الكتب التي لازلنا نرشف من معينها.

- ۱) کتابخانه عربی (قاهره) این کتابهایی را که از چشمه آنها آب می‌نوشیم به بار آورده است.
- ۲) هنر نگارش عربی این کتابهایی را که هنوز جان ما را سیراب می‌کند به بار آورده است.



- ۳) کتابخانه های عربی این کتابهایی را که جان ما را سیراب می کنند انتشار داده است.
 ۴) هنر تألیف عرب، این کتابها را که هنوز از آنها یاری می گیریم بوجود آورده است.

گزینه ۲

ارجاع به نکته فن ترجمه ۷

واژگان:

رَشَفَ: رَشْفًا و رَشِيفًا و تَرَشَفًا المَاءِ و نَحْوَهُ: آب و مانند آن را مکید - الإِنَاءُ: آنچه را که در ظرف بود نوشید.

ارجاع به نکته فن ترجمه ۷ (معادل هنوز در جملات مثبت و منفی)

توجه: به نظر می آید گزینه ۱ صحیح باشد و یا سوال دارای اشکال است

منبع: آزاد

(ارشد ۷۱)

سؤال ۲۱. أريد أن يكون الغرض الإبانة و التجلية لا الالغاز و التعمية:

- ۱) می خواهم غرض روشنگری و شکوفائی باشد نه لفظ پردازی و شعبده بازی.
- ۲) می خواهم غرض، هوشیاری و بینائی مردم باشد، نه گنگی و نابینائی ایشان.
- ۳) می خواهم غرض، روشن سازی و گشایش باشد، نه چیستان سازی و معما پردازی.
- ۴) می خواهم که قصد ما، سرفرازی و بزرگ منشی باشد نه بدبختی و کوری.

گزینه ۳

واژگان:

الإبانة: آشکار کردن / التجلية: جلیّی جلیّی: گشایش / الالغاز: چیستان سازی / التعمية: معما پردازی

با توجه به معنای مفردات فقط گزینه ۳ درست است.

منبع: آزاد

(ارشد ۷۱)

سؤال ۲۲. قالوا و ضربت الركبان الى الشام بنعی عثمان.

- ۱) گویند: سواران را برای آگاه کردن مردم از مرگ عثمان روانه شام کردند.
- ۲) گویند: خبر مرگ عثمان سواران عازم شام را سخت اندوهناک کرد.
- ۳) گویند: سواران، برای سوگواری عثمان، در شام خیمه زدند.
- ۴) گویند: سواران خبر مرگ عثمان را در شام پیراکنند.

گزینه ۴

واژگان:

ضرب: دارای معانی مختلفی است از جمله: ضرب فی: «بر زمین سیر کردن». در قرآن آمده است: «و آخرون یضربون فی الأرض

یبتغون من فضل الله».

ضرب الی: رهسپار شدن به سوی

راکب: ج: رکبان: سواران

نَعَى: نَعْيًا و نَعِيًّا و نُعْيَانًا. [نعی] لنا و إلبنا فلاناً: خبر مرگ او را به ما داد؛ «نَعَاهُ بِمَوْتِ فُلَانٍ» خبر مرگ فلانی را به او داد

گزینه ۴ به معنای صحیح عبارت نزدیک تر است.

منبع: آزاد

(ارشد ۷۱)

سؤال ۲۳. ثم غادر البلاد الى روسيا و حل من الشعب محل الكرامة.

- ۱) سپس کشور را به سوی روسیه ترک گفت و از جانب ملت روس مورد تکریم قرار گرفت.
- ۲) سپس کشور را به سوی روسیه ترک گفت و میان مردم در محله «کرامت» منزل گزید.
- ۳) سپس به نفع روسیه با کشور خویش غدر ورزید و در میان مردم از هرگونه تکریم محروم ماند.
- ۴) سپس به کشور خویش خیانت ورزید و مورد تکریم ملت روس قرار گرفت.

گزینه ۱

واژگان:

غادره مغادرة و غدار: ترک گفتن / حل: وارد شدن البته تعبیر مجازی «حل محل الكرامة» به معنای تکریم شدن است. با توجه به معنای مفردات گزینه ۱ صحیح است.

منبع: آزاد

(ارشد ۷۱)

سؤال ۲۴. لکنه جعل الشعب يتوسل بالدين لتحقيق آماله.

- ۱) اما ملت برای محقق ساختن آمال خویش شروع به بهره برداری از دین کرد.
- ۲) اما او ملت را آزاد گذاشت که برای محقق ساختن آرزوهایش به دین متوسل شود
- ۳) او ملت را فرو گذاشت و خود، برای محقق ساختن آرزوهایش به دین متمسک شد.
- ۴) اما او ملت را واداشت که برای محقق ساختن آرزوهایش به دین متوسل شود.

گزینه ۴

نکته فن ترجمه ۱۷: معانی جعل (وا داشتن، باعث شدن، موجب شدن)

در عربی از فعل جعل برای بیان مفهوم واداشتن استفاده میشود. نکته قابل توجه اینکه پس از آن فعل به صورت مضارع و بدون آن به کار می‌رود. و در ترجمه به صورت التزامی ترجمه میشود:

- جعلتني اُمی أرفع اليوم الي البيت اسرع؛ مادرم مرا واداشت که امروز زودتر به خانه برگردم.
- هل جعلتک تترک عملک؛ آیا تو را واداشتم که عملت را ترک کنی؟
- استفاده از حالت منفی فعل جعل در این اسلوب، برای بیان مفاهیمی چون «مانع شدن»، «نگذاشتن» است.
- لا اجعله أنا یخرج اليوم الي الشارع؛ من نمی‌گذارم که او امروز به خیابان برود.
- لماذا ما جعلتني اُشتري ذلك الكتاب؛ چرا نگذاشتی که آن کتاب را بخرم؟
- لم يجعله احمدُ ینجح فی ما نوي؛ احمد نگذاشت که او در آنچه که اراده کرده بود، موفق شود.
- جعل رجال الاسعاف لا يموت المریض؛ امدادگران مانع شدند که آن بیمار بمیرد.

نکته مهم: با وجود تضمن معنای «که» در ترجمه فارسی، لزومی به وجود معادلی برای آن (حرف ناصبه آن) در عربی نیست. بنابراین عبارت «جعلتک أن تذهب إلى الكلية» صحیح نیست.

شایان ذکر است فعل «جعل اقسامی دارد. گاهی به معنای قرار دادن است که در این صورت متعدی و یک مفعولی است گاهی به معنای «خلق» است در این صورت نیز متعدی و یک مفعولی است مانند آیه شریفه: «وجعل الظلمات و النور»، گاهی به معنای صیر (گرداند) است مانند: «جعل الخشب سریراً» که در این صورت دو مفعولی است. و گاهی از افعال مقاربه است به معنای شروع کرد مانند: «جعل صدیقی یکتب...» و گاهی به معنای «وا داشت» می‌باشد.

واژگان:

آمال ج امل: آرزو

با توجه به آنچه گفته شد و معنای جعل و نیز این نکته که شعب مفعول است بطلان گزینه های ۱ و ۲ و ۳ روشن میشود.

منبع: آزاد

(ارشد ۷۲)

بهترین و درست ترین ترجمه ها کدام است؟
سؤال ۲۵. لم تصل إلینا خطب الأوائل لحفلهم قديما بالشعر دون الخطابة.

- ۱) خطبه های پیشینیان از آنجا که از قدیم خطبه را پست تر از شعر می‌پنداشتند به دست ما نرسیده است.
- ۲) خطبه های پیشینیان بدست ما نرسیده؛ زیرا ایشان از قدیم در محافل خود خطبه را پست تر از شعر می‌شمردند.



- ۳) خطبه های پیشینیان بدست ما نرسیده؛ زیرا از قدیم کسانی که شعر می سرودند بیشتر از خطبه گویان بودند.
 ۴) خطبه های پیشینیان بدست ما نرسیده است؛ زیرا ایشان از قدیم به شعر می پرداختند نه به خطبه.

گزینه ۴

نکته فن ترجمه ۱۸: معانی دُون

معانی کلمه دُون:
 ۱. ظرف مکان منصوب به معنی: تحت یا پایین تر. مثال: «دُونِ قَدِيمٍ بَسَاطٌ»؛ «وَمِنْ دُونِهِمَا جَنَّتَانِ»
 ۲. ظرف مکان منصوب به معنی: أمام. مثال: «مَشَى دُونَكَ»؛ «وَجَدَهَا تَطَّلُعُ عَلَى قَوْمٍ لَمْ نَجْعَلْ لَهُمْ مِنْ دُونِهَا سِتْرًا»
 ۳. ظرف مکان منصوب به معنی: خلف. مثال: «جَلَسَ الْوَزِيرُ دُونَ الْأَمِيرِ»؛ «وَجَدِمِنْ دُونِهِمَا قَوْمًا لَا يَكَادُونَ يَفْقَهُونَ قَوْلًا»
 ۴. ظرف مکان منصوب به معنی: أَقْلٍ مِنْ: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَ يَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ»؛ «وَأَذْكَرُ رَبِّكَ فِي نَفْسِكَ تَضَرُّعًا وَ خِيفَةً وَ دُونَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ»
 ۵. ظرف مکان منصوب به معنی: سِوَى. مثال: «هَذَا الشَّيْءُ لَكَ دُونَ النَّاسِ»؛ «إِخْتَارَهُ صَدِيقًا مِنْ دُونَ زَمَلَانِهِ»؛ «وَمِنْ النَّاسِ مَنْ يَتَّخِذُ مِنْ دُونَ اللَّهِ أَنْدَادًا»
 ۶. ظرف مکان منصوب به معنی: مِنْ غَيْرِ، بِلَا. مثال: «هَذَا الشَّيْءُ دُونَ أَهْمِيَّةٍ»؛ «لَيْسَ لَهَا مِنْ دُونَ اللَّهِ كَاشِفَةٌ»
 ۷. ظرف مکان منصوب به معنی: قَبْلُ. مثال: «فَجَعَلَ مِنْ دُونَ ذَلِكَ فَتْحًا قَرِيبًا»
 ۸. ظرف مکان منصوب به معنی: بَيْنَ. مثال: «حَالُ الْقَوْمِ دُونَ فَلَانٍ: بَيْنَهُ وَ بَيْنَ مَنْ يَطْلُبُهُ»؛ «وَجَدَ مِنْ دُونِهِمْ أَمْرًا تَيْنًا تَدُودَانَ»
 ۹. ظرف مکان منصوب به معنی: فَوْق. «السَّمَاءِ دُونَكَ»
 دُون معانی مختلف دارد که توجه به آن در ترجمه بسیار اهمیت دارد. در برخی جملات به معنای نه و گاهی به معنای پست بودن و گاهی به معنای به جای میباشد.

واژگان:

- حفل ب - ل: عنایت کردن، توجه کردن، پرداختن
 کلمه «دُون» در این عبارت به معنای «نه» میباشد نه به معنای پست تر
 بنابراین نکته این سوال عبارت «لِحْفَلِهِمْ دُونَ الْخُطَابَةِ» است. در لغت آمده است. پس عبارت «لِحْفَلِهِمْ» یعنی «به خاطر پرداختن و اهتمامشان».
 کلمه «دُون» در این عبارت به معنی پست تر نیست. پس گزینه ۱ و ۲ که معنای پست تر آمده صحیح نیست.
 منبع: متون قدیم (جواهر الادب: احمد هاشمی)

سؤال ۲۶. وَأَكْتُمُ أَعْرَفَ الْخُطْبَاءِ بِالْأَنْسَابِ وَ أَكْثَرَهُمْ ضَرْبَ أَمْثَالٍ وَ إِصَابَةَ رَأْيٍ.

(ارشاد ۷۲)

- ۱) اکتم، خطیبان را نسب های بسیار آموخت، برایشان ضرب المثل های بسیار زد و رأی نیکو عرضه کرد.
 ۲) اکتم از همه خطیبان به انساب آشناتر بود، بیش از همه ضرب المثل می آورد و رأی استوارتر داشت.
 ۳) اکتم از همه خطیبان به انساب آشناتر بود، و برای ایشان ضرب المثل های بسیار زد و رأی نیکوتر داشت.
 ۴) اکتم از همه خطیبان به انساب آشناتر بود، و در استواری رأی بیش از همه به او ضرب المثل می زدند.

گزینه ۲

نکته فن ترجمه ۱۹: تمییز

جملاتی که در آنها تمییز به کار رفته نشان از ابهام و تاکید بیشتر دارد. چنانکه در فارسی نیز چنین جملاتی وجد دارد مانند: حسن از علی از نظر اخلاق بهتر است با آمدن کلمه ی «اخلاق» مفهوم عبارت واضح و روشن شد زیرا بهتر بودن حسن را در یک ویژگی مشخص نشان می دهد. یکی از موارد کاربرد تمییز این است که بعد از افعال تفضیل می آید و منصوب است.
 تمییز عربی معادل دقیقی در فارسی ندارد.

نکته این سؤال خواندن کلمه «أَعْرَفَ» و «أَكْثَرَ» به صورت أفعال تفصیل مرفوع است به جهت قرار گرفتن در موضع خبر برای «أَكْتُمُ». «ضرب أمثال» نیز منصوب است به سبب تمییز بودن برای «أَكْثَرَ». «إِصَابَةُ رَأْيٍ» نیز عطف بر «ضرب أمثال» است. اشکال پاسخ ۱ این است که توجهی به افعال تفضیل در جمله مورد سوال نداشته است. اشکال پاسخ ۳ و ۴ این است که جمله فوق که جمله ای

اسمیه است به صورت فعل ماضی ترجمه کرده است.
منبع: متون قدیم (جواهر الادب: احمد هاشمی)

سؤال ۲۷. **يعجبني الصدق في القول والإخلاص في العمل و أن تقوم المحبة مقام القانون.** (ارشاد ۷۲)

- ۱) صداقت در کلام، اخلاص در عمل و جایگزین شدن قانون توسط محبت مرا به اعجاب می افکند.
- ۲) مرا از آن خوش می آید که در سخن صداقت باشد، در عمل اخلاص، و نیز آنکه محبت جای قانون را بگیرد.
- ۳) صداقت در کلام، اخلاص در عمل و نشستن محبت به جای قانون مرا متعجب می سازد.
- ۴) صداقت در سخن و اخلاص در عمل را دوست دارم و نیز دوست دارم در دستگاه قانون محبت برپا باشد.

گزینه ۲

ارجاع به نکته فن ترجمه ۱۶ (اعجاب)

واژگان:

قام مقامه: جانشین او شد. جای آن را گرفت

بر اساس آنچه گفته شد در این عبارت «الصدق»، فاعل فعل «يعجبني» است و «ی» مفعول «يعجب». در این ترکیب آنچه مورد خوش آمدن است، فاعل و آن که خوشش می آید، مفعول إعجاب واقع می شود. اشکال گزینه ۴ آن است که لوازم عطف «أن تقوم» به «الإخلاص»، و عطف «الاخلاص» بر «الصدق»، آن گونه که در گزینه ۲ مورد توجه قرار گرفته، رعایت نشده است. با توجه به اینکه محبت فاعل فعل تقوم هست لذا گزینه ۱ نیز نادرست است. ضمناً نادرست بودن گزینه ۳ نیز به دلیل ترجمه نادرست يعجبني به مفهوم تعجب است.

منبع: متون قدیم (جواهر الادب: احمد هاشمی)

سؤال ۲۸. **هناك راح شيخ الإسلام يقيم من الحق باطلا ليصيب غرضه من الإنتقام.** (ارشاد ۷۲)

- ۱) شیخ الاسلام به آنجا رفت و به جای حق، در باطل فرو افتاد تا مگر به هدفش که انتقام بود برسد.
- ۲) شیخ الاسلام آنجا حقیقت را واژگونه جلوه داد تا به هدفش که انتقام بود برسد.
- ۳) شیخ الاسلام رفت که از حق، باطلی سازد و به هدفش که انتقام بود برسد.
- ۴) آنجا شیخ الاسلام چون آسایش یافت، از حق باطلی بافت تا به هدفش که انتقام بود برسد.

گزینه ۳

نکته فن ترجمه ۲۰: وجود داشتن (هناك و ثم و...)

در عربی معاصر برای بیان مفهوم «وجود داشتن» از اسماء اشاره هناك، هنالك، ثم و ثمّة استفاده می‌شود. کلمه «هناك» گرچه اسم اشاره است و در بسیاری از ترکیبات نقش ظرف را می‌پذیرد اما در عبارات معاصر بعضاً اصل وجود داشتن را می‌رساند. معادل there is و there are در انگلیسی (هناك رجل: مردی هست / مردی وجود دارد...). البته ممکن است در جمله هیچ معادلی برای آن در نظر گرفته نشده و ترجمه نشود. نکته ۱: در حالت منفی بودن جمله لیس یا لیست قبل از آن قرار می‌گیرد. نکته ۲: برای دلالت بر گذشته كان یا كانت در حالت مثبت و ما كان و لم یکن در حالت منفی استفاده میشود.

واژگان:

اصاب یصیب: به هدف رسیدن. به نشانه زدن (شایان ذکر است این واژه از واژگان نسبتاً پرکاربرد است.)

ارجاع به نکته فن ترجمه ۱۱ (افعال شروع)

کلمه «راح» به معنی رفت یا استراحت کرد نیست، بلکه در این ترکیب از افعال ناقصه است و معنای «شروع شدن» را افاده میکند. اسم آن شیخ و خبر آن یقیم است. می‌توان «راح» قبل از فعل اصلی را جزو افعال شروع دانست. بنابراین گزینه سوم نیز خالی از اشکال نبوده و ترجمه صحیح این عبارت به این صورت است: شیخ الاسلام شروع به برپا ساختن باطلی از حقیقت می‌کند تا به هدف انتقام جویانه خویش برسد.



با توجه به توضیحات فوق، در سایر گزینه ها «هناک» آنجا «ترجمه شده که نادرست است. منبع: متون قدیم (العروة الوثقی: جمال الدین الافغانی و محمد عبده)

(ارشد ۷۲)

سؤال ۲۹. فلا هطلت علی و لا بأرضی سحائب لیس تنتظم البلادا

- (۱) پس ابرهایی که بر من و زمین نباریدند، بر بلاد دیگر هم نباریدند.
- (۲) آن به که ابرهایی که بر همه بلاد نمی بارند، بر من و کشتزار من هم نبارند.
- (۳) فرمانروایانی که بر من و زمین من نعمتی نبخشیدند، البته کشور را به نظام نیاوردند.
- (۴) ابری که بر من و زمین من نبارید، البته موجب نظم و آبادانی بلاد نخواهد شد.

گزینه ۲

ارجاع به نکته فن ترجمه ۲ (فعل ماضی)

واژگان:

هطل: باریدن. هطول الامطار: بارش سیل آسا
سحائب: ج سحاب: ابر

«لا هطلت» جمله ای است دعا گونه: آن به که نبارند و کلمه «سحائب» فاعل «لا هطلت» است. سایر گزینه ها فعل هطلت را ماضی و نه دعایی ترجمه کرده است که با توجه به توضیحات فوق نادرستی آن آشکار است. عبارت «تنتظم البلاد» یعنی بر همه سرزمینها، بطور منظم نبارد که این عبارت نعت سحائب به معنای ابرها است.

منبع: متون قدیم (شاعر: ابوالعلاء معری)

(ارشد ۷۲)

سؤال ۳۰. هناك من يعد لغة العرب من أغنى اللغات كلها.

- (۱) کسانی که زبان عرب را از نظر لغت غنی ترین زبانها می دانند، در آنجا هستند.
- (۲) کسی هست که زبان عرب را غنی ترین همه زبانهای جهان می شمارند.
- (۳) آنجا کسی است که زبان عرب را از غنی ترین زبانهای جهان ساخته است.
- (۴) هستند کسانی که زبان عرب را غنی ترین زبانها می شمارند.

گزینه ۴

ارجاع به نکته فن ترجمه ۲۰ (هناک)

واژگان:

يُعدُّ: به شمار می رود (از واژگان نسبتاً پر کاربرد)

با توجه به نکات فوق، کلمه «هناک» اصل وجود داشتن را میرساند و دیگر معنی «آنجا» را نمیرساند لذا گزینه های ۱ و ۳ نادرست است. منبع: آزاد

(ارشد ۷۲)

سؤال ۳۱. لما كانت هذه الأفكار لاتزال متجددة كانت صور الكلام خاضعة لقوى الإبداع.

- (۱) آن هنگام که این اندیشه همچنان نو بود، صور کلام تابع نیروهای ابداع بودند.
- (۲) از آنجا که این اندیشه ها پیوسته نو میگشتند ناچار صور کلام نیز از نیروی ابداع پیروی می کرد.
- (۳) هنوز این اندیشه ها نو بودند که صور کلام از نیروهای ابداع پیروی می کردند.
- (۴) از آنجا که این افکار هنوز نوگرا بودند، ناچار کلام تابع نیروهای ابداع بود.

گزینه ۲

نکته فن ترجمه ۲۱: انواع لما

کلمه «لما» دارای اقسامی است؛ نوع اول آنکه بر سر فعل مضارع در می آید و آن را تبدیل به ماضی نقلی منفی می نماید: «لما یکتب»: هنوز ننوخته است. نوع دوم لما شرطیه است و به دنبال آن دو جمله می آید که دومی مترتب بر اولی است. نوع سوم لما استثنائیه است؛ مانند آیه شریفه در سوره طارق: «و این کل نفس لما علیها حافظ». لما بر سر فعل ماضی مفعول فیه در نظر گرفته میشود: لما ذهب: هنگامی که رفت. لما: بدون تشدید و با کسر لام: به معنای از آنجا که. لما: لام تاکید+ ما نفی یا استفهام

واژگان:

قوی: ج قوۃ: نیرو

خضع ل: تابع چیزی بودن

(ارجاع به نکته فن ترجمه ۲ (فعل ماضی)

باتوجه به توضیحات فوق و نیز توجه به زمان «کانت لا تزال...» که ماضی استمراری صحیح بودن گزینه ۲ آشکار میشود. ضمناً «لما» شرطیه نیست و هرگاه بر سر فعل ماضی بیاید نافییه نیست، بلکه مفعول فیه میباشد.

منبع: آزاد

سؤال ۳۲. إنما المرء مجزی بما أسلف. (ارشد ۷۲)

- ۱) مرد به سبب آنکه از اسلافش باقی مانده مواخذه می شود.
- ۲) مرد بر حسب آنچه به جای می نهد، پاداش می بیند.
- ۳) مرد به سبب هر گناهی که مرتکب شود مجازات می شود.
- ۴) مرد به سبب آنچه بیهوده تلف کرده مجازات می شود.

گزینه ۲

واژگان:

کلمه «مجزی» اسم مفعول است. در اصل «مجزوی» بوده است بعد «واو» به «یاء» تبدیل شده و در «یاء» در هم ادغام شده اند. مجزی به معنی «پاداش داده شده» است.

أسلف: پشت سر گذارد، پیش فرستاد.

«المرء» به معنی «آدمی» است. هر چند ترجمه آن به مرد نیز صحیح است.

با توجه به نکات فوق مجزی به معنای مجازات نیست لذا سایر گزینه ها به جز گزینه ۲ رد میشود. از این رو دستیابی به پاسخ این سوال بر مبنای دانستن مفردات آن است.

منبع: (نهج البلاغه/ نامه ۲۱)

سؤال ۳۳. إن أهدیت نفسی فیهی ملک، لک لاحظ فیها لغیرک. (ارشد ۷۲)

- ۱) حال که جان خویش را به تو هدیه کرده ام، آن ملک توست و کسی را جز تو در آن بهره ای نه.
- ۲) اگر خویش را هدایت کرده ام، پس آن ملک توست و کسی را جز تو در آن بهره ای نیست.
- ۳) اگر نفس را هدایت کرده ام، هر آینه آن پادشاه توست و بنگر که کسی جز تو در سلطه آن نیست.
- ۴) نفس خویش را به تو هدیه کرده ام پس آن ملک توست، بنگر که کسی جز تو در آن نیست.

گزینه ۱

واژگان:

اهدی: هدیه دادن (هدی: هدایت کردن)



«أهدیت» به معنی هدیه کردم است؛ نه هدایت کردم. پس پاسخهای ۲ و ۳ نادرست است، در گزینه ۴ جمله به صورت خبری آمده است. برخلاف گزینه ۱ که حالت شرط و جزایی در آن وجود دارد. نیز در گزینه ۴ عبارت: «بنگر که کسی جز تو در آن نیست، مطلبی کاملاً بی ربط با عبارت سؤال «لا حظ فیها لغيرك» است.
منبع: متون قدیم (جواهر الادب: احمد هاشمی)

سؤال ۳۴. فأت ما أنت أهله من العفو دون ما أنا أهله من استحقاق العقوبة. (ارشاد ۷۲)

- ۱) پس بیا که تو اهل عفو و بخشایشی در مقابل عقوبتی که من اهل آنم نیستی.
- ۲) آن عفوی که تو اهل آنی، از آن عقوبتی که سزای من است بسی پست تر است.
- ۳) در عوض آن عقوبت که سزای من است، آن بخشندگی را که تو اهل آنی عرضه کن.
- ۴) آن بخشندگی تو اهلش بودی و در مقابل عقوبتی که حق من بود عرضه می‌کردی، از میان رفت.

گزینه ۳

ارجاع به نکته ۱۸: دون و معانی آن

واژگان:

فأت: فعل «أتی» به معنی «آمد» است که با حرف جر «باء» متعدی می‌شود و معنی «آورد» پیدا می‌کند. ضمناً «فأت» مرکب از یک حرف «فاء» و یک فعل امر است. کلمه «ما» موصول اسمی است و حرف جر «باء» از آن افتاده است.
با توجه به نکات فوق، کلمه «دون» معنای پست تر ندارد لذا گزینه ۳ رد میشود. و در گزینه ۴ فعل «فات»، «فات» خوانده شده است به معنای از میان رفتن که صحیح نیست. در گزینه ۱ نیز معنای بیا صحیح نیست.
منبع: متون قدیم (جواهر الادب: احمد هاشمی - الجاحظ: أئمة الأدب (الجزء الأول))

سؤال ۳۵. پدیده‌های عقب ماندگی در فرهنگ ما جای می‌گیرد، تا اینکه فقر علمی در زندگی فکری ما به نیکی پدیدار می‌شود. (ارشاد ۷۲)

- ۱) تستقر ظاهرة التأخر في ثقافتنا حتى يظهر الفقر العلمي جلياً في حياتنا الفكرية.
- ۲) تستقر ظاهرة التأخر في ثقافتنا حتى يظهر الفقر العلمي علناً في حياتنا الفكرية.
- ۳) تستقر ظاهرة التأخر في ثقافتنا حتى فقر العلمي يظهر واضحاً في حياتنا الفكرية.
- ۴) تستقر ظاهرة التأخر في ثقافتنا حتى الفقر العلمي يظهر جلياً في حياتنا الفكرية.

گزینه ۱

نکته فن ترجمه ۲۲: انواع حتی

معنای پایه «حتی» در همه کاربردهای آن (جاره، عاطفه، ابتدائیه) غایت است.

حتی جاره: مجرور آن اسم ظاهر است و باید آخرین جزء یا متصل به آخرین جزء اسم ما قبل از آن باشد. سلام هی حتی مطلع الفجر (= الی مطلع الفجر) - اكلت السمكة حتى رأسها

حتی ابتدائیه:

اگر بعد از حتی جمله و لقع شود حرف ابتدا خواهد بود و جمله پس از آن استینافیه است.
فعل مضارع زمانی بعد از حتی «مرفوع» میشود که اولاً معنای حال حقیقی یا مؤول به حال داشته باشد و ثانیاً ماقبل حتی، سببی برای مابعد آن باشد

در قرآن کریم حتی ابتدائیه غالباً بر سر اسلوب شرط اذا داخل شده است: حتی اذا جاء امرنا... (هود / ۴۰)

حتی عاطفه:

حتی زمانی حرف عطف به شمار میرود که معطوف اسم ظاهر، مفرد و یکی از مصادیق یا افراد معطوف علیه باشد.

جاء الاصدقاء حتى علی

عجبتني الفتى حتى حديثه

جزء اصداقاء

كالجزء (همانند جزئی از معطوف)

زمانی که پس از «حتی» جمله بیاید، حرف ابتداء یا استیناف میباید. لم يتكلم علی حتى تعجب الحاضرون

اگر حتی به یکی از معانی الی، الا، و لام تعلیل بیاید بعد از آن، آن ناصبه ای در تقدیر است که باعث نصب فعل مضارع پس از آن میشود: حتی تعلموا ما تقولون

واژگان:

الظاهرة: پدیده/التأخر: عقب ماندگی/الثقافة: فرهنگ

نکته این تست توجه به معنای کلمه «حتی» است؛ در گزینه ۳ و ۴ مشاهده می شود که بر سر اسم (الفقر العلمی) در آمده است. زمانی «حتی» بر سر اسم در می آید که آن اسم جزء آخر اسم ماقبل یا ملحق به جزء آخر آن باشد و چنین حالتی در اینجا موجود نیست در گزینه ۲ از معنای «به نیکی پدیدار شدن» به «یظهر علنا» که معادل صحیحی نیست، تعبیر شده است.

منبع: آزاد

سؤال ۳۶. چون می ترسید احمد شهر را ترک گفته باشد، به سوی پستخانه شتافت. (ارشد ۷۲)

- ۱) و بما أنه كان يخاف أن يكون أحمد قد غادر المدينة، أسرع إلى دائرة البريد.
- ۲) و بما أنه كان يخاف أن قد غادر أحمد المدينة، أسرع إلى دائرة البريد.
- ۳) و بما أنه كان يخاف أن كان أحمد قد غادر المدينة، أسرع إلى دائرة البريد.
- ۴) و بما أنه كان يخاف أن أحمد قد غادر المدينة أسرع إلى دائرة البريد.

گزینه ۱

ارجاع به نکته فن ترجمه ۲ (فعل ماضی)

واژگان:

دائرة البريد: پستخانه

مهمترین نکته در این سوال، یافتن معادل عربی فعل «ترک گفته باشد» است. این فعل ماضی التزامی است که در زبان عربی با فعل مضارع (کان قد + فعل ماضی ساده) بیان می شود و معادل آن در عربی «أن يكون قد غادر» می باشد. فعل موجود در گزینه ۲ (قد غادر) است به معنی «ترک گفته است» که ماضی نقلی است و افعال موجود در گزینه های ۳ و ۴، ماضی بعیدند و به معنی «ترک گفته بود».

منبع: آزاد

سؤال ۳۷. این فیلسوف دل نازک، چنان جانب عملی زندگی را فرو گذاشت که موجب تأسف و نگرانی می شد. (ارشد ۷۲)

- ۱) هذا الفيلسوف الرقيق القلب أهمل الجانب العملي في الحياة إهمالاً يدعو إلى الأسف والقلق.
- ۲) هذا الفيلسوف رقيق القلب أهمل الجانب العملي إهمالاً يدعو إلى الأسف والقلق.
- ۳) الفيلسوف رقيق القلب أهمل الجانب العملي إهمالاً يدعو إلى الأسف والقلق.
- ۴) هذا الفيلسوف الرقيق القلب أهمل الجانب العملي في الحياة إهمال الذي يدعو إلى الاسف والقلق.

گزینه ۱

ارجاع به نکته فن ترجمه ۸ (ترکیب وصفی - اضافی)

نکته فن ترجمه ۲۳: اهمیت معرفه یا نکره بودن اسم ها در ترجمه

توجه به معرفه یا نکره بودن کلمات در تعریب و در ترجمه بسیار اهمیت دارد. باید توجه شود اسم معرفه، نکره ترجمه نشود و بالعکس فَبَشِّرْهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ: او را به عذابی دردناک بشارت بده

نکته فن ترجمه ۲۴: اضافه لفظیه و معنویه

اضافه معنویه نسبت دادن اسمی به اسم دیگر در معنای یکی از حروف جر (لام، من بیانیه یا فی) است. ملنند: کتاب علی (کتاب لعلی)



خاتم فضة: خاتم من فضة ، صلاة العصر: صلاة في العصر
 اضافه لفظیه: اضافه وصف (اسم مشتق) عامل به معمول خود مثال: ضارب زيد
 مضاف در اضافه معنویه از مضاف اليه كسب تعريف يا تخصيص می کند.
 مضاف در اضافه معنویه ال تعريف نمی گیرد. اما مضاف در اضافه لفظیه ال تعريف میگیرد به شرط آنکه مضاف اليه، ضمير يا اسم محلی
 به ال باشد: الضارب الرجل

واژگان:

الاهمال: فرو گذاشتن / الاسف: تاسف / القلق: نگرانی

تعريب عبارت جانب عملی زندگی، «جانب الحياة العملي» یا «الجانب العملي في الحياة» می باشد. به بیان دیگر صفت مضاف که در زبان فارسی به دنبال آن می آید در زبان عربی به دنبال مضاف اليه آورده می شود. یا پس از خود مضاف آورده میشود ولی مضاف اليه به وسیله یک حرف جدا می شود. پس پاسخ ۴ اشتباه است. اشکال گزینه ۲ آن است که صفت «الفيلسوف»، به صورت نکره آمده است. زیرا «رقيق القلب» اضافه لفظیه است و در اضافه لفظیه مضاف از مضاف اليه كسب تعريف نمی کند. اشکال دیگر پاسخ ۲ آن است که مضاف (الجانب) «ال» گرفته است و حال آنکه در اضافه معنویه مضاف «ال» نمی گیرد. اشکال پاسخ ۴ آن است که «الذي» صفت شده است و حال آن که «الذي» به دنبال معارف صفت واقع می شود.

منبع: آزاد

سؤال ۳۸. هر چه باشد، آن دو کتابی را که تسلیم تو کردم هر دو مفید و گرانبها هستند. (ارشاد ۷۲)

- (۱) مهما یکن فإن الكتابین اللذین سلمتھما إياك كلاھما نافع قیم
- (۲) ای شی کان فإن الكتابین اللذین سلمتک إياھما كلاھما نافعان قیمان
- (۳) ای شی کان فإن الكتابین اللذین سلمتکھما كلاھما نافعین قیمین
- (۴) مهما یکن، فإن الكتابین اللذین سلمتک إياھما، كلاھما نافع قیم

گزینه ۴

نکته فن ترجمه ۲۵: کلا و کلتا

کلا و کلتا از الفاظ ملحق به مثنی هستند. اگر به ضمیر اضافه شوند اعراب مثنی را می پذیرند و اگر بر اسم ظاهر اضافه شوند به حرکات مقدر بر الف، اعراب میگیرند.
 (خبر کلا و کلتا میتواند از لفظ تبعیت کند و مفرد بیاید یا به اعتبار معنای این دو، مثنی بیاید. کلا الرجلین عالم / عالمان در کلا و کلتای تاکیدیه نیز لازم است مؤکدی که مطابق با ضمیر کلا و کلتا است مسبوق بر آنها شود: صافحت الغار سین کلہما

واژگان:

مهما یکن ف: هر چه باشد

سلم: تسلیم کردن. دادن (دو مفعولی)

القیم: گرانبها

منبع: آزاد

سؤال ۳۹. سرورم، نعمتهای تو را سپاس می گذارم که مرا واداشت به راه راست هدایت شوم. (ارشاد ۷۲)

- (۱) مولاي إني أحمد نعمك التي جعلتني أن اهتدي إلى سواء السبيل.
- (۲) سیدی انی أشکر نعمك التي جعلتني أن أهتدی الی سواء سبیل.
- (۳) سیدی انی أحمدک نعمك التي جعلتني اهتدی إلى سواء السبیل
- (۴) سیدی انی أشکرک علی نعمك التي جعلتني أن أهتدی الی سواء سبیل.

گزینه ۳

ارجاع به نکته فن ترجمه ۱۷ (جَعَلَ)

واژگان: تفاوت شکر و حمد: حمد تنها در مورد جمیل اختیاری یعنی فضیلت‌های و کمالات اختیاری که با تلاش و کوشش و اختیار و انتخاب حاصل می‌شود به کار می‌رود ولی شکر در برابر هر نوع نعمتی استعمال می‌شود. پس هر شکری حمد است ولی هر حمدی شکر نیست. مثلاً نمی‌توان کسی را به خاطر زیبایی صورت او حمد کرد زیرا این امری اختیاری نیست ولی می‌توان او را مدح کرد. همچنین می‌توان فردی را به دلیل قامت و زیبایی اندام مدح کرد ولی نمی‌توان او را حمد کرد. خبر «جعل» به همراه «أن» نمی‌آید، پس گزینه ۱ و ۲ و ۴ صحیح نیست. منبع: آزاد

سؤال ۴۰. شرایط سیاسی مصر چنان پیچیده شد که او نتوانست به آرزوهای خود جامه عمل بپوشاند. (ارشد ۷۲)

۱) و قد أصبحت ظروف مصر السياسية معقدة بحيث انه لم يقدر على أن يحقق آماله.
 ۲) وقد أصبحت ظروف سياسية مصر معقدة بحيث أنه لم يقدر على أن يحقق آماله.
 ۳) وقد أصبحت ظروف سياسية مصر معقدة بشكل أنه لم يقدر على أن يحقق آماله.
 ۴) وقد أصبحت الظروف المصر السياسية معقدة بحيث انه لم يكن قادرة على تحقيق آماله.

گزینه ۱

ارجاع به نکته فن ترجمه ۲ (انواع فعل ماضی)
 ارجاع به نکته فن ترجمه ۸ (ترکیب وصفی - اضلفی)

واژگان:

المعقدة: پیچیده/الآمال: ج امل: آرزوها. أن يحقق آماله: اینکه آرزوهای خود را محقق کند. /الظروف: شرایط.. مراد از مصر، مملکت مصر است نه مطلق شهر همان گونه که صفت مضاف پس از مضاف الیه آورده می‌شود؛ بنابراین «شرایط سیاسی مصر» به عربی می‌شود: «ظروف مصر السياسية» با همین نکته معلوم می‌شود گزینه‌های غیر از ۱ همگی نادرست اند. اشکال دیگری که در گزینه ۴ وجود دارد و آن اینکه خبر «قادرة» با فعل «لم یکن» سازگار نیست. غیر از اینکه معادل «نتوانست» در عربی، «لم یقدر» است نه «لم یکن قادرة» که در معنا تفاوت ظریفی با «لم یقدر» دارد. منبع: آزاد

سؤال ۴۱. وی بیشتر، روزهای جمعه از الأزهر دیدار می‌کرد و هرگز بعنوان مدرس به آنجا نرفت. (ارشد ۷۲)

۱) و أكثر ما كان يزور الأزهر يوم الجمعة، و لم يذهب إليه قط مدرسة.
 ۲) و كان يزور الأزهر أكثر أيام الجمعة و لم يذهب إليه أبداً كالمدرس.
 ۳) و كان يزور الأزهر غالباً أيام الجمعة و لم يذهب بعنوان المدرس أبداً.
 ۴) و كثيراً ما كان يزور الأزهر أيام الجمعة و لم يذهب هناك قطاً مدرساً.

گزینه ۱

نکته فن ترجمه ۲۶: قیود زمان (أبداً، قط، عوض)

أبداً معرب و مختص زمان آینده است. مثال: فَمَنْ لَنْ يُخْرِجُوا مَعِيَ أَبداً؛ بگو هرگز همراه من خارج نشوید. عوض (مبنی بر تاء) و مختص آینده است و بیشتر برای قسم به‌کار می‌رود. لَنْ أَظْمَنَنَّ إِلَى الْكُذُوبِ عَوْضٌ؛ هرگز به دروغگو اطمینان نخواهم کرد. قط مبنی بر ضم بوده و برای زمان گذشته استعمال می‌شود. ما فعلت هذا قط؛ هرگز این کار را انجام ندادم. پس قید زمان در جمله ماضی منفی، ظرف «قط» است؛ نه «أبداً» و نه «عوض».